

سومین دور مذاکرات صلح به بن بست رسید

کنم".
ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی و همچنین طارق عزیز وزیر خارجه عراق در برابر خبرنگاران فاش ساختند که در مذاکرات صلح هنوز پیشرفت قابل ملاحظه‌ای حاصل نشده است. دبیرکل سازمان ملل متحد که برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل، ژنو را به قصد نیویورک ترک کرده است، پیش از سفرش به نیویورک در یک مصاحبه مطبوعاتی خاطر نشان ساخت: "من هرگز آدم ناامیدی نیستم، من به نیویورک می‌روم چون مجمع عمومی جریان دارد و نه به این دلیل که مذاکرات پیشرفت ندارد. مذاکرات قطع نشده است، و جو مذاکرات هم خوب است".

بدنبال سفر پرزدو کوئینار به نیویورک، مذاکرات صلح بین جمهوری اسلامی و عراق، در هر دو سطح وزرای امور خارجه و هیئتهای کارشناسی زیر نظر نماینده شخصی دبیرکل سازمان ملل، الیاسون ادامه خواهد یافت. پرزدو کوئینار از نماینده شخصی خود در مذاکرات صلح درخواست کرده است که گزارش پیشرفت مذاکرات را تا تاریخ ۱۶ نوامبر - ۲۵ آبانماه در نیویورک به اطلاع وی برساند.

بنا به اظهارات خاویر پرزدو کوئینار که توسط خبرگزاریهای رسمی بین‌المللی گزارش شده است، ماحصل سومین دور مذاکرات صلح طرفین، از یک سو بهتر شدن فضای مذاکرات و از سوی دیگر تاکید طرفین بر حفظ آتش بس بوده است. پرزدو کوئینار، هفته گذشته نسبت به افزایش نظامی طرفین که در برخی از نقاط جبهه‌های جنگی، کمتر از ۲۵ متر فاصله دارند، ابراز نگرانی کرده بود. اینک تاکید دو کشور بر حفظ آتش بس و احترام به توافقنامه ۲۵ اوت، مبنی بر عدم از سرگیری عملیات نظامی، تا حدودی باعث اطمینان خاطر دبیرکل سازمان ملل شده است. عراق در سراسر سومین دور مذاکرات صلح بر مبادله بلادرنگ و بی قید و شرط اسرای جنگی اصرار ورزید. طارق بقیه در صفحه ۳

سومین دور مذاکرات صلح بین جمهوری اسلامی و عراق که زیر نظر مستقیم خاویر پرزدو کوئینار دبیرکل سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل شده بود، هفته گذشته بدون حصول به یک توافق عملی خاتمه یافت. دو کوئینار که پیش از آغاز سومین دور مذاکرات، ابراز امیدواری کرده بود، طرفین در این مذاکرات به توافق‌های معینی نائل آیند، در آخرین روز مذاکرات دور سوم در برابر خبرنگاران اظهار کرد: "نمی‌خواهم با گفتن اینکه در اولین بخش ملاقاتها طی اقامت من در اینجا پیشرفت چشمگیری حاصل شده است، شما را گمراه



دوشنبه ۲۳ آبان ۱۳۶۷ برابر ۱۴ نوامبر ۱۹۸۸
بها - غریب - سال پنجم - شماره ۲۳۳

مفهوم يك گور جمعی چیست؟

طغیان علیه بشریت

در شماره گذشته نشریه اسنادی-مصور از کشتار زندانیان سیاسی انتشار یافت: اسنادی تکانه‌دهنده از یک گور جمعی. کشف یک گور جمعی به چه معناست؟ آیا افزایش کمی تعداد قربانیان یک حکومت ضد آزادی و آدمکش را نمایانگر است؟ آیا تنها گسترش ابعاد انسان کشی و انسانیت ستیزی حکومتگران را بازتاب میدهد؟ آیا بار کلماتی چون "جنایت" و "تبعکاری" با هر پسوند مشددی که در پی آنها بیاید، میتواند بعد این عمل را نمایاند؟ نه. حکومتی که گورهای جمعی ایجاد میکند، حکومتی که انسانها را در اسارتگاه‌هایش یکجا سلاخی میکند، حکومتی که انسانها را بخاطر اعتقادشان، اندیشه‌شان، مبارزه و مشی‌شان گروه‌گروه بخون می‌کشد و گروه‌گروه به زیر خاک می‌فرستد، از خود ماهیت دیگری را عرضه می‌کند.

برای همه رژیم‌های ارتجاعی می‌توان طومار بلندی از سیاهکاری‌ها نوشت. جنگهای مجیبی که براه انداختند، کشتاری که از مردم در انقلابها و خیزش‌های توده‌ای کردند... رژیم هیتلر نمونه‌ای از چنین حکومتهاست که مسئولیت کشتار دینما میلیون انسان را بر عهده دارد. اما از میان آن همه کشتار، کشتار در اردوگاهها در صدر جنایات فاشیست‌ها نوشته شده است و بشریت نمی‌خواهد هیچگاه آنرا فراموش کند. زیرا کشتار جمعی اسرا و زندانیان، تنها یک جنایت نیست، طغیان علیه بشریت است، انسار کسب‌کنگی یک سنگ زنجیری است. مقابله با این طغیان وظیفه بشریت است. فراتر از هر چیز این وظیفه‌ای هموم بشری است. برای اینکه طغیانگران منکوب شوند باید سرچه بیشتر افشا شوند. به این منظور اسناد مصور این طغیان، بعکس گورهای جمعی زندانیان کشته شده را در برابر دیده جهانیان بگذاریم! □

پاسخهای ابلهانه خمینی به پرسش‌هایی جدی

از این دو جریان تایید شده است مدتی بعد جریان دیگر تایید کرده و نمونه‌ها زیاد است، مثلا وقتی افراد جامعه مدرسین یا سازمان تبلیغات حمایت می‌شوند در کنار آن افراد دفتر تبلیغات تایید می‌گردند، از یک طرف شورای محترم نگهبان، از طرف دیگر شورای مصلحت، از یکسو جامعه روحانیت مبارز تهران از طرف دیگر روحانیون مبارز، از یک سو آقای محتشمی و آقای نخست‌وزیر و از سوی دیگر آقای ناطق و آقای آذری. نویسنده نامه از خمینی می‌خواهد که در باره اختلافات، اظهار نظر کند.

محتوی و لحن نامه انصاری نشان‌دهنده کسرتش و شدت روز افزون درگیری‌های درون رژیم است. اما خمینی در پاسخ این پرسشها که برای پیروانش بسیار جدی است و باعث "حیرت و سرگردانی شدید" در میان آنها شده است، حرف جدیدی ندارد که بزند. خلیفه چهارم، به این اکتفا کرده است که در جوابیه خود، به "اختلاف نظرها و سلیقه‌ها" میان فقها در طول بقیه در صفحه ۲

آخوندی به نام محمدعلی انصاری کرمانی که در رسانه‌های رژیم به عنوان یکی از اعضای دفتر خمینی معرفی شده است، هفته گذشته در نامه‌ای به خمینی از او در مورد اختلافات درون حکومت کسب تکلیف کرد. وی نوشت: "دو جریان عقیدتی و سیاسی... امروز به شکل جدی‌تری در میدان رقابت با یکدیگر قرار گرفته‌اند که این رقابت صرفا در جنبه تئوری نیست، بلکه در تمامی میدانهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بروز کرده است و احتمالا هر چه جلوتر برود بر دامنه رقابت‌ها و در حقیقت تضادهای خواسته و ناخواسته افزوده می‌شود... در مقطع کنونی یک نوع حیرت و سرگردانی شدید در میان طرفداران و افراد هر دو گروه به وجود آورده است که حقیر از جمله این افرادم و نمی‌دانم وظیفه چیست و چه باید کرد." (کیهان ۱۶ آبان ۱۳۶۷)

انصاری در بخشی دیگر از نامه‌اش، تلویحا از خمینی کله کرده است که "افراد این دو جریان با هم مورد حمایت و نهایت بوده‌اند و هرگاه یکی

در این شماره

در رژیم فقها

زنان چه حقی در خانواده دارند

در صفحه آخر

توقف خروج نیروهای شوروی

از افغانستان

در صفحه ۱۴

خبرنگار جنیش باسیم (۲)

در صفحه ۶

ایستگاه

شعری از ناظم حکمت

در صفحه ۸

بخشهایی از يك گزارش درباره زندانیان سیاسی:

چون گشت زانو زمانه آباد

ای کودک دوره طلائی!

یاد آرزو، ز شمع مرده یاد آو!

بخشهایی از یک نامه، از آروزها که فرامرز صوفی
را گشتند

قهرمانان، در قلب مردم

بالای منزل پر از گلنمایی بود که مردم می آوردند. دیدن این مادرها واقعا آدم را متقلب می کرد.

شب چله هم مثل هفت روز اول بود، اما جمعیت آنقدر زیاد بود که جای راه رفتن نبود. مادر یکی از بچه ها سخنرانی کرد. لذت بردم از قدرت مادرها. وقتی آدم با اینها روبرو میشود چقدر احساس زبونی و ضعف می کند. اینها که هستند چه قدرتی دارند؟ چنانمی ترسند. چطور مرگ فرزندانشان را تحمل می کنند و چطور مبارزه می کنند. من یک لحظه فکر کردم آدم چقدر باید مثل بعضی ها ضعیف باشد که حتی جرات شرکت در مراسم را نداشته باشد.

...هکس بزرگ فرامرز در دریایی از گل هرق بود و هر مادری که می آمد هکس بزرگ بچه اش را توی یک تاج گل می آورد. آدم دیوانه می شود که چه گلنمایی را از بین بردند.

...چه زن قدرتمندی است. شعرهای محلی انقلابی می خواند من از فشار غم قدرت حرف زدن نداشتم چه رسد به سرود خواندن اما او که آن همه داغدار بود چقدر قشنگ شعر می خواند و گاهی اشک های چشمش راپاک می کرد...

...مساله فرامرز را اصلا نمی توانستیم باور کنیم. ساعتی که تلفنی خبر دادند خیلی مشکل بود که از ریزش اشک خودداری کنیم و بهترین بهانه گریه کردن را دوری از شما مطرح کردیم. بعد به منزلشان رفتم. شبی که به آنها خبر داده بودند همه فاش کرده بودند. آنها لحظه بزرگی خورده بودند. اما از قدرت و اراده فرامرز تعجب کردم. چقدر روح بزرگی داشت و چقدر قدرتمند بود. آدم وقتی بداند که یکساعت فقط زنده است با اینحال بتواند آنطور خونسرد و قوی با زن و بچه اش حرف بزند و خداحافظی بکند. با منصوره و نسترن حرف زده بود و گفته بود: از ساعتی قبل من مرتباً ترانه (هرابوس برای آخرین بار) را زمزمه می کنم. خلاصه فکر می کنم فرامرز هیچوقت نمرده است. او مرد بزرگی بود... مراسم هفت روز اول برای من که توی سیاست و این حرفها نیستم خیلی جالب بود. تمام مادری که بچه هایشان مثل فرامرز اهدام شده بودند در مراسم شرکت کرده بودند. از روضه و ختم خیری نبود. همه دامن مشکلی و بلوز سفید پوشیده و یک گل سرخ هم به سینت زده بودند و در تمام ساعات سرودهای دستجمعی می خواندند و به درو دیوار منزل هم شعار زده بودند. از در کوچه تا

داشته اند همه پیش از ملاقات "جیره" کتک و شکنجه خود را دریافت کرده و همگی لافز شده بودند. زندانیان ابراز داشته اند که شبها مرتب صدای تیراندازی میامده است. هنوز از تعداد اعدام شدگان در زندان گوهردشت خبر دقیقی در دست نیست. رقم آن حداقل ۵۰ و حداکثر ۳۰۰ نفر تاکنون ذکر شده است.

درمورد نماز خواندن گفته میشود که اولیای زندان تعدید کرده بودند در صورتیکه زندانیان نماز نخوانند، تیرباران میشوند. از اینکه نتیجه چه شد و زندانیان تا چه حد به این خواست گردن گذاشته اند هنوز اطلاعی نداریم.

...شخصی تعریف میکرد که مادری از جنوب آمده بود تا پسرش را ملاقات کند میگفت قبل از برادر آن زندانی که خانه اش در تهران بود برای ملاقات میرفت ولی حدود دو هفته پیش او تصادف کرد و حالا مادرش از جنوب آمده است تا هم پسرش را ملاقات کند و هم خبر گشته شدن پسرش را به او بدهد و هم بگوید که برادرزاده اش دو پایش را از دست داده است. از اینکه مسائل که خانواده ها در گیر آن هستند، بسیار پیش می آید.

...بالاخره سالنهای ملاقات زندانهای سیاسی شدند. از شبیه دوم مجرمه ملاقات البته در بندهای "جمادی ها و کارگاهی ها" برقرار شد. چندی بعد از آن ملاقاتهای بقیه بندها هم بالاخره آغاز شد. به تعدادی از خانواده های زندانیان تلفن شده است که در فلان روز برای ملاقات مراجعه کنند و برای برخی نیز نامه نوشته اند. اگر گذر یکی از خانواده های زندانیان سیاسی به درب زندان بیافتد، ورتهای در برابرش میگذارند که شامل تعدادی سؤال در مورد اسم و مشخصات زندانی و تاریخ دستگیری، مدت محکومیت، وضع خانواده از نظر داشتن زندانی دیگر و آدرس و تلفن و غیره است. خانواده هایی که هفته اول به ملاقات رفته اند عموماً میگفتند که حال زندانیان خوب است اما ملاقاتهای بعدی همراه اخباری عکس این مطلب بود. زندانیان با کابل و شلاق حسابی شکنجه شده اند، بطوریکه علائم کابل روی بدنشان وجود داشت. همینطور علائم بسته شدن با طناب، بویژه زندانیان برای خواندن نماز بشدت زیر فشار قرار گرفته اند. بطور مثال زندانیانیکه روز شب ۹ همراه در گوهردشت ملاقات

پاسخهای ابلهانه خمینی

به پرسشهایی جدی

صعود مستقیم و خنثی کردن جاذبه زمین (!) و مهمتر از همه اینها ترسیم و تعیین حاکمیت ولایت فقیه در حکومت و جامعه که همه اینها گوشه ای از هزاران مساله مورد ابتلای مردم و حکومت است که فقهایی بزرگ در مورد آنها بحث کرده اند و نظراتشان با یکدیگر مختلف است.

خمینی، راه چاره ای ندارد که در پیش پای "امت" خود بگذارد، فقط توصیه می کند که "ذره ای از سیاست نه شرقی نه غربی جمهوری

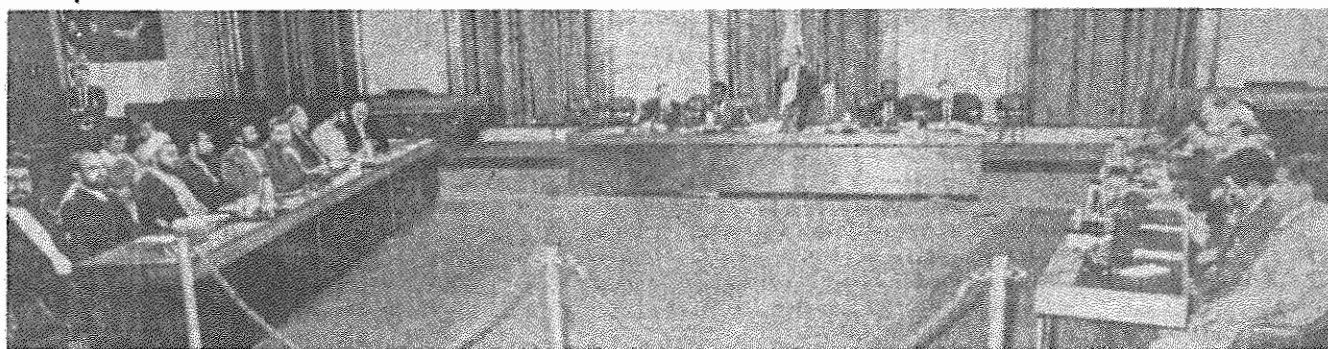
بقیه از صفحه اول

ترنم اش...اره کند. خمینی یک سلسله مسائلی را که "اختلاف اجتهاد" در مورد آن وجود داشته است برمی شمارد، مانند "مالکیت و محدوده آن... مسائل پیچیده پول و ارز و بانکداری... عکاسی، نقاشی، مجسمه سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و غیره... چگونگی انجام فرائض در سیر هوایی و فضایی و حرکت بر خلاف جهت حرکت زمین یا موافق آن با سرعتی بیش از سرعت آن و یا در

بگیرد و راه حل خود را برای قلمبه بر بحران پیش برد و برای همیشه رقبا را از میدان بدر کند. با توجه به این شرایط، کاملاً قابل درک است که همه گروه بندیها و باندهای حکومتی در یک چیز وجه مشترک داشته باشند: تلاش در عقیم گذاشتن اقدامات رقبا. پاسخ خمینی به انصاری، اهلام ناتوانی او در تعیین تکلیف قطعی در مورد بحران حکومتی است. خمینی ضعیف تر از آن است که برای بحران ژرفتر شده و لاینحل رژیمش تصمیم قاطعی بگیرد و راه حلی ارائه کند. از اینرو تنها وصیت می کند که "گدورتها" زدوده شود!

خمینی هنوز نفس می کشد. اما دوران پس از مرگ او، از هم اکنون آغاز شده است.

اسلامی هدول نشود". تبلیغات حکومتی، به نامه خمینی عنوان "منشور برادری" داده است. اما همچنان که گذشته هم نشان داده است، توصیه های این بار خمینی در مورد "وحدت و برادری" هم نخواهد توانست زخم هایی را که بحران بر پیکر حکومت وارد می کند، التیام بخشد. موضوع، جدی تر از آن است که با لفاظی های ابلهانه درباره اختلافات فقها پیرامون مسافرت های فضایی، بتوان آن را "اختلاف سلیقه" قلمداد کرد. شکست مفتضحانه در جنگ و بحران دم افزون اقتصادی، هر لحظه بر شدت بحران حکومت می افزاید. هر نیرو و جناحی در درون حکومت می خواهد در این موقعیت ابتکار عمل را در دست



سومین دور مذاکرات صلح به بن بست رسید

بقیه از صفحه اول

عزیز در مصاحبه مطبوعاتی آخرین اجلاس سومین دور مذاکرات، اعلام کرد که مبادله اسرادر کنار سایر بندهای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و حتی طرح چهار ماده‌ای دبیرکل، باید مورد توجه و اجرا قرار گیرد. جمهوری اسلامی متقابلاً اعلام کرده است که تنها با اجرای منظم و قدم به قدم قطعنامه ۵۹۸ و طرح دبیرکل موافق است. بر اساس طرح دبیرکل، مبادله اسرا، بعنوان سومین قدم پیشرفت مذاکرات صلح، پیش بینی شده است. فشارهای بین‌المللی و از آن جمله اعلام مواضع روشن رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و حتی خود دبیرکل سازمان ملل، هنوز نتوانسته است روی موضع غیرانسانی جمهوری اسلامی تأثیر ویژه‌ای نهد. هفته گذشته البته توافق به عمل آمد که اسرای معلول و مجروح طرفین زیر نظر کمیته صلیب سرخ بین‌المللی مبادله گردند. تاریخ مبادله اسرای معلول و مجروح از جانب این کمیته ۲۰ نوامبر اعلام شده است. بر اساس این توافق مجموعاً ۱۵۶۹ اسیر مبادله خواهند شد که از آن بین ۱۱۵۸ نفر عراقی و ۴۱۱ نفر ایرانی می‌باشند. مبادله این تعداد اسیر جنگی در مقام مقایسه باکل تعداد اسرا به حدی ناچیز است که اصولاً از آن بعنوان یک قدم جدی نمیتوان سخن گفت.

تعداد اسرای جنگی تاکنون مشخص نشده است. بنابه گزارش‌های متعدد کارشناسان بین‌المللی، تعداد اسرای ایرانی بالغ بر ۳۰ هزار و تعداد اسرای عراقی تا ۷۰ هزار نفر برآورد شده‌اند. جمهوری اسلامی، اخیراً اعلام کرده است که تعداد اسرای ایرانی در عراق بسیار بیش از آمار و ارقام ارائه شده است. روزنامه کیهان ۱۵ آبانماه در مقاله‌ای گزارشی، تحت عنوان "گزارش اختلاف فاحش آمارهای

مجامع بین‌المللی از شمار اسرای ایرانی" اعلام کرده است که بنا به اظهارات مقامات عراق در زمان جنگ و اینکه عراق تنها در چند عملیات نظامی و بویژه در عملیات فروردین ماه سال جاری، نزدیک به ۳۰ هزار نفر اسیر گرفته است، تعداد اسرای ایرانی نزدیک به ۵۷ هزار نفر می‌باشد. جمهوری اسلامی خواستار آن شده است که عراق به کمیته‌های بین‌المللی اجازه دهد تا از اسرای ایرانی ثبت نام بعمل آورند. بروز اختلاف نظر در تعداد اسرای دو کشور، از جمله آن مسائلی است که میتواند امر مبادله اسرا را با دشواری‌های بیشتری مواجه سازد.

ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در خاتمه سومین دور مذاکرات اعلام نمود که "عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی، گامان عنصر کلیدی در پیشرفت مذاکرات صلح بحساب می‌آیند". وی تأکید

کرد که عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی از نظر جمهوری اسلامی و حتی بنا به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و طرح چهار ماده‌ای دبیرکل، اولین اقدام جدی پس از توافق ۲۰ اوت مبنی بر پذیرش آتش‌بس است.

کارشناسان و ناظران بین‌المللی اعتقاد دارند که با توجه به اظهارات مقامات عراق، تعریف مرزهای رسمی دو کشور با دشواری‌های عدیده‌ای مواجه خواهد شد. از مسائل گریزی موجود در تعیین و رسمیت دادن به مرزهای دو کشور، همانا مسئله شط العرب می‌باشد. جمهوری اسلامی هفته گذشته اعلام کرد که لایروبی شط‌العرب را تنها در چارچوب توافق ۱۹۷۵ الجزایر می‌پذیرد و این بدین معناست که عراق به معاهده ۱۹۷۵ الجزایر احترام گذاشته و مرز آبی تعیین شده در شط‌العرب

انتخاب سوسیالیسم از سوی خلق ما، نهایی و تغییرناپذیر است. این انتخاب، با انقلاب اکتبر صورت گرفت و دستخوش هیچ تجدید نظری نخواهد شد". سلیونکف افزود: "سوسیالیسم، به گونه‌ای که لنین در نظر داشت، قبل از هر چیز در این است که مردم زحمتکش، به تصمیم‌گیری در باره ابزار تولید، به اعمال قدرت سیاسی و خلاقیت اجتماعی جلب شوند. رفرفرم اقتصادی و سیاسی و نیز نوسازی ایدئولوژی، مکانیزم‌هایی فراهم می‌آورند که بد زحمتکشان امکان می‌دهد بطور واقعی از مجموعه حقوق خود در

جشن سالگشت

بقیه از صفحه آخر

سوسیالیستی خلق ما در اکتبر ۱۹۱۷ است". نیکلای سلیونکف، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، سخنران جلسه بزرگداشتی بود که در روز شنبه ۵ نوامبر برگزار شد. وی در بخشی از سخنان خود گفت: "برخی‌ها در غرب امیدوارند دگرگونی‌های رادیکال (در اتحاد شوروی) از چارچوب سوسیالیسم بیرون رود. این امید، واهی است.

را بپذیرد. ولایتی در برابر پرسش یکی از خبرنگاران در ژنو که پرسیده بود آیا جمهوری اسلامی با طرح عقب‌نشینی چندصدمتر نیروها از مکان فعلی توافق دارد یا خیر، پاسخ داد: "چنین پیشنهادی هنوز مطرح نشده است. این امر (عقب‌نشینی جزئی یا جداسازی نیروها) نمی‌تواند مسأله‌ها حل کند، هیچکس حق ندارد برداشت خود را از قطعنامه ۵۹۸ به عنوان محتوای این قطعنامه ارائه کند".

به بن بست رسیدن سومین دور مذاکرات صلح، نگرانی مردم دو کشور را باعث شده است. بیش از صد هزار اسیر جنگی گامکان فرصت آن را نیافته‌اند تا به میان خانواده‌های خود باز گردند. صلح خواست فوری و مبرم مردم دو کشور است. رژیم‌های ایران و عراق که در طول ۸ سال جنگ کثیف، پشته‌هایی از کشته و ویرانی آفریده‌اند، اینک با کارشکنی در امر پیشرفت مذاکرات صلح، نیت و مقاصد ضد ملی و ضد انسانی خود را آشکار می‌سازند.

همه هر صدهای زندگی اجتماعی بهره برند. "ناطق درباره ادامه دموکراتیزه کردن جامعه شوروی خاطر نشان کرد: "تحت شرایط پلورالیسم سوسیالیستی عقاید، همه جنبش‌های اجتماعی، همه گروه‌ها و جمعیت‌های شهر و ندان که در چارچوب قانون فعالیت می‌کنند، حق دارند مواضع خود را ترویج و از آن دفاع کنند. حزب کمونیست، با بحث موافق است و آماده رویارویی نظرات است. اما وظیفه خود می‌داند که بکوشد این روندها به تحکیم و هنی‌سازی مبانی سوسیالیسم و اصول جامعه شوروی بیانجامد".

یادداشت تفاهم میان ایران و بریتانیا امضا شد

دومین دور مذاکرات بعد از پذیرش خواست های بریتانیا درخواست کرد در بیانیه پایانی مذاکرات قید شود که بریتانیا پیش قدم هادی سازی روابط بود نه جمهوری اسلامی. این خواست جمهوری اسلامی توسط بریتانیا تأمین نشد. در پی آن دیدار ولایتی با جفری ها و وزیر امور خارجه بریتانیا در نیویورک و آخوندزاده بسطی کاردار ایران در لندن با سایر مقامات انگلیسی زمینه را برای شروع دور سوم گفتگوها فراهم ساخت.

روابط دو کشور از یک سال پیش در پی دستگیری کاردار جمهوری اسلامی در منچستر به اتهام دزدی تیره شده بود.

در پایان دور سوم گفتگوهای نمایندگان سیاسی ایران و بریتانیا در وین، طرفین با امضای یک یادداشت تفاهم، موافقت خود را با سرگیری رسمی روابط دیپلماتیک میان تهران و لندن اعلام کردند. دیومیلر نماینده بریتانیا و محمود واعظی مدیرکل بخش اروپایی وزارت خارجه روز چهارشنبه یادداشتی را امضا کردند که بر اساس آن قرار است ایران و بریتانیا ۱۶ دیپلمات به کشورهای یکدیگر بفرستند. روابط دو کشور بر اساس موافقتنامه وین، تا شش ماه آینده تا سطح سفیر ارتقا خواهد یافت.

گفتگوهای نمایندگان دو کشور از یک ماه پیش به علت رد درخواست ایران از سوی بریتانیا متوقف شده بود. جمهوری اسلامی در پایان

رضایی:

سپاه پاسداران بازسازی می شود

برنامه های آتی سپاه پاسداران هفته گذشته طی مصاحبه مطبوعاتی محسن رضایی فرمانده سپاه تشریح شد. رضایی اظهار داشت که تشکیلات سپاه پاسداران در آینده بازسازی و توسعه خواهد یافت. رضایی تأکید کرد برنامه توسعه سپاه تدوین شده و تا شش ماه دیگر اجرا می شود. وی گفت در برنامه بازسازی سپاه "مواردی نظیر سابقه پرسنل، لباس درجه کلاه و غیره" در نظر گرفته شده که اجرا خواهد شد. به گفته رضایی فرمانده سپاه، بر اساس طرحی که هم اکنون در دست بررسی است به بسیجیانی که بیش از یک سال در جبهه بوده اند، مدرک نظامی اعطا خواهد شد.

در حال حاضر بیش از دو ماه از تعویق لایحه اقدام سپاه و ارتش در مجلس گذشته است. هنگامی که این لایحه در مجلس طرح شد، نمایندگان تصمیم گرفتند بررسی آن را به مدت ۶ ماه به تعویق بیاورند. حال محسن رضایی فرمانده سپاه اعلام می کند که تا شش ماه آینده برنامه توسعه سپاه عملی خواهد شد.

آبادگی جمهوری اسلامی

برای عادی سازی مناسبات با عربستان

علی محمد بشارتی قائم مقام وزارت امور خارجه روز پنجشنبه ۱۹ آبان بعد از پایان سفر یک هفته ای خود به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به تهران بازگشت. بشارتی طی ۵ روز، از کشورهای عمان، کویت، امارات متحده عربی، بحرین و قطر دیدار کرد و پیام های مهمی را به روسای این کشورها تحویل داد. بشارتی در نخستین روز سفر خود وارد مسقط مرکز عمان شد و با سلطان قابوس پیرامون اوضاع منطقه و گفتگوهای ایران و عراق در ژنو به گفتگو پرداخت. قائم مقام وزیر امور خارجه روز سه شنبه در کویت طی گفتگوی مطبوعاتی آبادگی جمهوری اسلامی را برای عادی سازی مناسبات دیپلماتیک با عربستان سعودی اعلام کرد و اظهار داشت جمهوری اسلامی در پی دستور ملک فهد، متقابلاً جنک تبلیغاتی را متوقف ساخته و در انتظار اقدام عربستان برای آغاز مذاکرات رسمی پیرامون برقراری روابط دیپلماتیک میان تهران و ریاض است. تحول در روابط دیپلماتیک ایران با کشورهای عربی منطقه خلیج فارس بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و اعلام آتش بس آغاز شد که اولین اقدام جمهوری اسلامی گشایش سفارت کویت در تهران بود.

قائم مقام وزیر امور خارجه روز شنبه ۲۱ آبان در تهران با صاحب زاده یعقوب خان وزیر امور خارجه پاکستان دیدار کرد و نتایج گفتگوهای خود با روسای کشورهای عربی را با وی نیز در میان گذاشت.

بقیه در صفحه ۹

آمار کارگاه های صنعتی و روستایی کشور

۳۲ هزار و ۶۷۰ کارگاه (اصفهان ۱۵ هزار و ۳۹۸ کارگاه) و آذربایجان شرقی (با ۱۲ هزار و ۷۷۴ کارگاه) قرار داشته اند و کمترین تعداد به استان های ایلام (۶۴۵ کارگاه)، کمگیلویه و بویراحمد (۶۸۴ کارگاه) و بوشهر (۷۶۱ کارگاه) اختصاص دارد.

ارزیابی میانگین تعداد کارگاه در آبادی های دارای واحد صنعتی در استان های مختلف نشانگر آن است که آبادیهای شهرستان قم به طور متوسط با ۱۵/۳ کارگاه، استان تهران با ۱۴/۵ کارگاه، استان اصفهان با ۱۵/۳ کارگاه، استان یزد با ۷/۶ و شهرستان گرگان با ۷/۱ کارگاه بیشترین واحد تولیدی در آبادی را در کل کشور به خود اختصاص داده اند. کمترین تعداد کارگاه در آبادی مربوط به استانهای کمگیلویه و بویراحمد با ۱/۶ کارگاه، ایلام با ۲/۳، کردستان با ۲/۴ و سیستان و بلوچستان با ۲/۷ کارگاه بوده است. از کل کارگاههای سرشماری شده جمعاً ۴۹۲ کارگاه صنعتی و روستایی دارای ۵۰ نفر کارگر و بیشتر بوده است.

نتایج مقدماتی سرشماری کارگاه های صنعتی و روستایی سال ۶۷ که در نیمه دوم خرداد ماه و نیمه اول تیرماه سال جاری در کلیه استان های کشور به عمل آمد، نشان می دهد که استان های ایلام، کردستان و بلوچستان فقیرترین مناطق از لحاظ توزیع واحد تولیدی و کارگاه در سطح کشور هستند.

جمشیدی رئیس مرکز آمار ایران در گفتگو با مطبوعات اظهار داشت بررسی گزارش های اولیه رسیده از ۲۴ استان و ۴ شهرستان مستقل (قم، گرگان، تروین و گنبدکاووس) نشان می دهد که با مراجعه به ۱۳۹ هزار و ۶۸۰ کارگاه در ۲۵ هزار و ۳۳۴ آبادی کشور از ۸۸ هزار و ۹۹۰ کارگاه که فعالیت آنها صنعتی تشخیص داده شده آماری گیری به عمل آمده است. از مجموع کارگاههای سرشماری شده در مناطق روستایی، ۲۳ هزار و ۴۵۰ واحد در بخش صنعت خانگی و عمدتاً قالیبانی فعالیت دارند. بررسی نتایج آماری حاکی ست بیشترین تعداد کل کارگاههای مورد مراجعه به ترتیب در استانهای خراسان (با



کمبود قطعات و لوازم یدکی و کرانی سرسام آور مشکلی است که صاحبان اتومبیل اهم از تاکسی، وانت بار و اتومبیل شخصی بان روبرو هستند. با اولین نقص، اتومبیل از کار می افتد و راه اندازی مجدد آن چندین روز و گاه هفته ها طول می کشد. عکس صحنه ای را در میدان "پیروزی" تهران نشان می دهد که رانندگان دور اتومبیل چاراسنگ چین کرده اند، سایبان انداخته و رختخواب همراه دارند تا نوبت ورود به تعمیرگاه برسد.

حرکات نظامی تازه رژیم

علیه خلق بلوچ

اواخر شهریور ماه در بلوچستان ارگانهای سرکوبگر رژیم متشکل از سپاه، بسیج و ژاندارمری به بهانه مقابله با اشرار و خوانین به منطقه "لاشار" سرازیر شدند و در ابعاد بسیار گسترده شروع به ضرب و شتم مردم منطقه خصوصاً هاشمیان نمودند.

پس از این عملیات سرکوبگرانه و در ادامه آن، رژیم تیپ "سلمان" را که در ۲۵ کیلومتری ایرانشهر مستقر میباشند به این منطقه اعزام داشت. این تیپ نیروئی در حدود ۴۰۰ نفر را همراه با تجهیزات فراوان منجمله هلی کوپتر در منطقه لاشار مستقر نمود.

مسئولین این تیپ در وهله اول بخش اصلی نیروی خود را در روستای هاشمیان نشین "تک یاب" مستقر نمودند و با فشار آوردن به اهالی این روستا جهت همکاری با آنها، زندگی را به آنان تنگ نمودند بطوریکه پس از چند روز مردم این روستا متحداً دست به اعتراض بر علیه حضور نظامی نیروهای رژیم در روستای خود زدند و با عدم همکاری با آنان و پافشاری در مطالبه خواسته شان، تیپ "سلمان" را وادار به خروج از روستای خود نمودند. روستائیان "تک یاب" عنوان می کنند که انگیزه اصلی رژیم از گسیل این همه نیرو در منطقه نه مقابله با

عملیات خوانین، که استقرار نیرو برای رویارویی با حرکات مردمی است. ولی رژیم با بهانه کردن عملیات مسلحانه خوانین، حضور نظامی خود را در منطقه تشدید می کند و خوانین نیز با حرکات صرفاً نمایی خود از عراق و دیگران پول دریافت می کنند.

هم اکنون نیروهای رژیم محل استقرار خود را در روستای "پیپ" قرار داده اند و علاوه بر این چندین پایگاه خود را که قبلاً در نتیجه اعتراض مردم فیور این منطقه برچیده بودند مجدداً مستقر نموده اند.

اسراء از اردوگاه به بازداشتگاه

آن عده از اسرای ایرانی معلولی که اخیراً طی یک مبادله از اردوگاههای اسیران در عراق، به ایران هودت داده شدند، تحت الحفظ از فرودگاه به مکان نامعلومی انتقال داده شدند. خانواده های این اسراء که بی صبرانه در انتظار دیدار عزیزانشان بودند، از ملاقات با آنان منع گردیدند. گفته می شود هلت این کار، از سوئی تحت فشار گذاشتن اسراء برای پذیرش شرکت در نمایش های تبلیغی است، و از سوی دیگر بازجویی و تصمیم گیری پیرامون کارکرد و اظهاراتشان در زمان اسارت است.

تصویر زیبایی مدرسه

از نامه دانش آموز کلاس سوم دبستان

"... چون جنگ تمام شده دیگر نمی توانیم شعار جنگ، جنگ تا پیروزی بدهیم. دیوار مدرسه را هم از این شعار پاک کرده اند. اینجوری مدرسه ما خوشگل تر شده است..."

پیروزی یک اعتصاب کاری

اقدام به راهپیمائی کردند و به اداره کار رفتند. در آنجا کارگران خواسته شان را طرح نمودند، اما مسئولین اداره کار نیز حاضر نشدند اقدامی در جهت لغو دستور اخراج انجام دهند. بدنبال این امر کارفرما اقدامات توطئه گرانه ای را علیه کارگران آغاز می کند که کارگران با قاطعیت به مقابله برمی خیزند. در نتیجه آن درگیریهای پدید می آید که طی آن کارفرما و اطرافیانش به شدت مضروب می شوند. در برابر قاطعیت کارگران، کارفرما و مسئولین دولتی ناگزیر به عقب نشینی شدند و این اعتصاب به یمن یکپارچگی کارگران با پیروزی پایان پذیرفت.

در جاده اهواز - شادگان یک کوره آجرپزی بزرگی قرار دارد که نزدیک به هزار کارگر تحت شرایطی جانکاه در آن کار می کنند. قالب این کارگران عرب هستند. چندی پیش صاحب این کوره، خودسرانه دستور اخراج ۱۵۰ تن از کارگران را صادر کرد. با وجود اعتراض شدید اخراج شدگان، کارفرما حاضر به لغو دستور نگردید. در حمایت از اخراج شدگان، ۷۰۰ کارگر دیگر این واحد دست از کار کشیدند و اعلام اعتصاب نمودند. از آنجاکه کارفرما همچنان از پذیرش خواسته کارگران مبنی بر لغو احکام اخراج سر باز می زد، کارگران دسته جمعی

یکی از روستائیان تربت جام کشته و ۴۷ تن زندانی شدند

حکم بازداشت تعداد دیگری از روستائیان را صادر کرد. خبر این درگیری در سطح منطقه بازتاب وسیعی یافت و در روزنامه ها نیز درج گردید.

آستان قدس رضوی به بهانه وقفی بودن زمینهای منطقه، ادعای مالکیت آنها را دارد و از کشاورزان می خواهد بابت بهره برداری از زمینها اجاره بها بپردازند و یا آن را برای فروش به سرمایه داران در اختیار آستان قدس قرار دهند.

در مهرماه ۴۷ تن از کشاورزان روستای سمنگان تربت جام به هلت اعتراض به واگذاری زمین های آستان قدس به فئودالها و سرمایه داران، توسط مامورین محلی دستگیر و به بازداشتگاه انتقال یافتند.

در جریان درگیری که بین روستائیان و مامورین روی داد یک تن از کشاورزان سمنگان کشته و حداقل ۲ نفر به شدت مجروح شدند. در پی وقوع درگیری دادسرای عمومی تربت جام

اقدام اعتراضی در دانشگاه تبریز

جدید کلاس، آزمایشگاه، استاد و خوابگاه ندارد، مخالف نام نویسی و حضور بخشی از دانشجویان در کلاسهای درس بودند. دانشجویانی که از ثبت نام آنان جلوگیری می شد بعد از دو هفته اعتراض و اجتماع در مقابل ساختمان دانشگاه، مسئولین را وادار ساختند که با شرکت آنان در کلاسهای درس موافقت کنند. ثبت نام رسمی این دانشجویان هنوز قطعیت نیافته است.

با آغاز سال تحصیلی عده ای از دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه تبریز که در سال جاری در کنکور قبول شده بودند ولی مسئولین از ثبت نام آنان خودداری می کردند، در محل دانشگاه دست به حرکت اعتراضی زدند. آنان خواستار لغو تصمیم مسئولین دانشگاه مبنی بر عدم ثبت نام یک سوم پذیرفته شدگان رشته پزشکی کنکور سال جاری بودند. مسئولین دانشگاه با طرح این مسئله که دانشگاه برای آموزش پذیرفته شدگان

کمک های مالی رسیده

۳۰۰۰

نعمت شایان

۲۰۰۰

رحیم الف ۳۰

۲۷٫۵ مارک

به یادر فیک صوفی از آخن - آلمان فدرال

۳۱۵ کرون

ف. م. گزهامار - نروژ

از استان اوربرو - سوئد ۱۰۰ کرون

از استان اوربرو - سوئد ۴۰ کرون

از استان اوربرو - سوئد ۵۰ کرون

از استان اوربرو - سوئد ۸۰ کرون

از استان اوربرو - سوئد ۶۰ کرون

از استان اوربرو - سوئد ۵۰ کرون

از استان اوربرو - سوئد ۶۰ کرون

از استان اوربرو - سوئد ۵۰ کرون

از استان اوربرو - سوئد ۴۰ کرون

از استان اوربرو - سوئد ۷۰ کرون

۵۰ کرون

۵۰ کرون

به یادکاک همر برای پیشمرگ شهید فدایی خلق

به یادکاک عارف پیشمرگ شهید فدایی خلق

افشین باهوش

برای برگزاری کنکره موفق

با آرزوی صلح پایدار

برای اتحاد کار ساز نیروهای خلق

بیاد همه شهدای قهرمان خلق

بیاد شهید قهرمان محمود زکی پور

برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی ایران

بیاد آنان (چرا مرگ خود آگاهان)

درود بر زندانیان سیاسی ایران

برای کمک به نشریه "کار" و "اکثریت"

خبرنگار جنبش باشیم (۲)

در شماره گذشته نشریه نوشتیم که سلاح افشاگری خبر است و تاکید کردیم که هر چه خبر روشن تر باشد، افشاگری موثرتر است. ضرورت افشاگری، توضیح گر ضرورت خبررسانی است و همین نکته نشان می دهد که خبرنگاری برای جنبش، یک وظیفه مهم انقلابی است. اما خبر صرفا برای افشاگری نیست. سازمان باید در جریان رویدادهای جامعه باشد و خاصه آن رویدادهایی که بدانها ممکن است "خبر" اطلاق نشود. مردم چه می اندیشند، چه می گویند، چه می کنند و نظایر اینها، پس باید درک وسیعتری از مفهوم خبر و گزارش داشت. در این زمینه در شماره گذشته نوشتیم که یک خبر، همواره به معنی یک رویداد چشمگیر نیست. "اهتصابی صورت گرفت". این یک خبر است. همه باید از آن مطلع باشند. اما در فلانجا علی رغم همه فشارها "هیچ اعتراضی صورت نگرفت". معمولا گزارشگران، این رویداد را "روی نداده" می دانند و در مورد آن خبری نمی نویسند. اما این هم خود خبر است. باید در این زمینه ها نیز گزارش داشت تا بتوان به درک جامعتری از رویدادهای جامعه رسید.

در شماره گذشته، همدا به کسب خبر و گزارش از داخل از طریق مکاتبه، تلفن، و گفتگو با مسافرین پرداختیم و تاکید کردیم که کسب خبر و تهیه گزارش، فقط وظیفه فعالین داخل کشور نیست. از خارج از کشور نیز می توان در این زمینه کوشا بود. اما کسب خبر تنها نباید محدود به رویدادهای داخل کشور باشد. محورهای گزارشگری در خارج از کشور کدامند و در این زمینه، باید به چه نکاتی توجه ویژه ای داشت؟ در ادامه مقاله "خبرنگار جنبش باشیم" به این موضوع و سپس مجددا به برخی نکات مهمی دیگر در مورد تهیه خبر و گزارش می پردازیم.

خبرهای خارج از کشور

با مروری بر ۲۳۳ شماره این نشریه "اکثرت"، این حقیقت

افشاکار می شود که در زمینه بازتاب دادن مسائل و مشکلات انبوه ایرانیان مقیم خارج در صفحات این نشریه، کم کاری صورت گرفته است. اختصاص صفحات بسیار محدود به مشکلات و مسائل مشخص خیل عظیمی از ایرانیان که در خارج از کشور به سر می برند، نقیصه ای است که باید جبران شود. برای رفع این نقیصه مهم، علاوه بر برنامه ریزی خود نشریه، همکاری خوانندگان در کشورهای مختلف نیز ضرورت دارد.

از آنجایی که مخاطبین ما در اینجا اساسا نیروهای خارج از کشور است، لازم است بر روی رابطه اخبار و گزارشهایی که هر صده خارج را می پوشاند، با امر سازمانگری تاکید داشته باشیم. خبرها و گزارش های ما باید واقعیت را نشان دهد. باز نباید که چه جنبه ای از واقعیت باید متحول شود و تلاشمایی که در این زمینه صورت می گیرد چه دستاوردی داشته و همچنین چه موانع و مشکلاتی در برابر دارند. مثالی بزیم: پناهندگان، مشکلات و مسائل آنها در هر کشور چیست؟ چگونه و حول چه محورهایی برای غلبه با این مشکلات می توانند متشکل شوند و یا تشکلهای موجود را تقویت کنند؟ در این راستا چه تلاشمایی صورت می گیرد؟ موانع کدامند؟ چه باید کرد تا تلاشها مثرتر و موثرتر باشند؟ خبرهای گزارشهای ما در زمینه امور مربوط به پناهندگان باید چنین محورهایی را بپوشاند که طبیعتا جدا از امر سازمانگری نیستند.

گزارشهای افشاکار در رابطه با مسائل خارج از کشور چند محور اصلی دارند. یک محور مهم، افشاگری بر روی حرکات عوامل جمهوری اسلامی است. انزوای مطلق سیاسی و ابستگان جمهوری اسلامی در خارج و این که خود را به دقت از چشم ایرانیان پنهان می کنند، بی توجهی به حرکات آنان را در میان ایرانیان خارج به بار آورده است. این بی توجهی، امکان تحرک و دسیسه چینی های سفارتخانه ها، کنسولگری ها، دفترهای به اصطلاح فریبکنی، انجمنهای اسلامی عوامل حکومتی

و همه نهادها و عناصری را که به نحوی از انحا به رژیم مربوط می شوند را افزایش می دهد. باید به منظور افشای عوامل رژیم و خنثی کردن دسایس شان، با دقت به حرکاتشان توجه نشان داد و از طریق تهیه خبر و گزارش در این زمینه، توجه همگان را به این موضوع جلب کرد. در این مورد مثال ساده ای بزیم: خبر می شوید که یکی از محرمه های رژیم در جایی سخنرانی دارد. با سازماندهی مناسبی بکوشید به آنجا بروید و گذشته از تدارکات لازم برای خنثی کردن فعالیت های رژیم، برای نشریه خبر تهیه کنید. طرف چه می گفت، چه کسانی پای صحبت او بودند، چگونه این فعالیت تبلیغی را سازماندهی کرده بودند... همه اینها می توانند موضوع گزارش شما باشند.

یک محور دیگر تهیه گزارش و خبر در خارج، فشارهایی است که بر روی ایرانیان (و هموما خار جیان) برای اقامت، پناهندگی و یا فعالیت سیاسی و فرهنگی و نیز کار و تحصیل وارد می آورند. در این رابطه توجه عمده طبیعتا بر روی پناهندگان متمرکز می شود. در بالادین موضوع اشاره کردیم و اکنون لازم است بر روی ضرورت بازتاب دادن فشارهای تازه بر پناهندگان ایرانی پس از قطع جنگ و بهبود بیشتر مناسبات جمهوری اسلامی با کشورهای اروپای قریبی و اسکاندیناوی در گزارش های خبری، تاکید داشته باشیم. بازتاب یافتن این مسائل در نشریه ها و کلا در سطح فعالین سیاسی، تلاشمایی سازمانگرا در زمینه تشکل پناهندگان را پرمه تر خواهد کرد.

ایرانیان مقیم خارج، ترکیب متنوعی دارند. گزارش های ما باید قشرها و گروه بندی های مختلف ایرانیان را بپوشاند. ما در کنار انعکاس محرومیت خیل کثیری از ایرانیان در خارج از کشور، لازم است تصویری از زندگی آلوده قشر ممتاز بورژوازی به خارج کریخته را نیز بازتاب دهیم. سلطنت طلب ها، رشته های مختلف وابستگی شان به آمریکا و سازمانهای جاسوسی غرب، فلک زدگی کنونی آنها، باند های مختلف شان و روابط برخی از این باند ها با جمهوری اسلامی، حول گزارش تهیه کردو به سنگام توجه همگان را به این یا آن جنبه از فعالیت های سلطنت طلبان جلب

نمود. یک محور مهم دیگر تهیه گزارش و خبر، محیط زیست اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایرانیان در خارج از کشور و برخوردهای مختلف نسبت به این محیط است. با تهیه گزارش های زنده ای می توان برخورد انتقادی و داشتن یک دید ژرف بین را رواج داد و همچنین با توجه خاص به این موضوع و جنبه های مختلف آن، مشکلات ایرانیان در خارج از کشور و روانشناسی آنان را بهتر و همیق تر باز شناخت.

خوانندگان در این زمینه هرگونه مطلبی که دارند، می توانند برای نشریه بفرستند. "اکثرت" در صفحاتی همچون از "میان نامه ها" و "دور از میهن" اقدام به درج آنها خواهد کرد.

چند نکته و تذکر مهم

باید تلاش ورزیم خبری که تهیه می کنیم از هر نظر دقیق باشد. در خبر حداقل باید به این سوالات پاسخ داده شده باشد: کی، کجا، چه کسانی، چگونه، خبرهایی که فائد تاریخی، تا حدود زیادی ارزش خود را از دست می دهند. بعضی اوقات خبر ناقصی به دست ما می رسد. این مساله دیگری است. چون ناقص است، نباید در ارسال آن کوتاهی کنیم. شاید منابع و خبرهای دیگر بتوانند خبر ما را تکمیل کنند. اگر خودمان به منبع خبر دسترسی مجدد داریم، باید بکوشیم خبر را کامل کنیم.

در تنظیم خبر باید کاملا امانتدار باشیم. اگر خودمان در مورد خبر، نظر و یا تفسیری داریم، بهتر است آن را جدا بنویسیم. ابتدا خبر را ذکر می کنیم و بعد می نویسیم که به نظر ما... و یا تا آنجا که ما می دانیم...

بسیاری از خبرها اگر دیرار سال شوند، به قول معروف می سوزند. این به معنی آن نیست که اگر خبر نسبتا کهنه ای به دستتان رسیده، در فرستادن آن برای نشریه، تعلل ورزید. یک خبر کهنه شده، در داخل یک مجموعه و یا به عنوان سابقه یک خبر تازه می تواند احیا شود و کارایی اولیه خود را به دست آورد.

امر خبر دهی نباید گسیخته باشد. در مورد مقوامت پناهندگان

در رژیم فقها، زنان چه حقی در خانواده دارند

بقیه از صفحه آخر

حقوق زنان با سرسختی و سماجت هر چه بیشتر به تعرض خود ادامه می‌دهد و تلاش می‌ورزد دستاوردهای ارتجاعی خود را پایدار کند. فقها تا به امروز از طریق تبدیل ضوابط ارتجاعی و ضد انسانی و ستمگرانه خود به قانون و اعمال آن گامهای بلندی به پیش در جهت واپس کشاندن جامعه، برداشته‌اند. آخوندکشی بخشهایی از این قانون را در مصاحبه فوق‌الذکر تشریح می‌کند که هیچ یک البته سخن تازه‌ای نیست، اما از جهت اینکه همین قوانین ارتجاعی که این همه با صراحت بیان می‌شود، امروزه مبنای قانونی برای تنظیم مناسبات خانوادگی است، دارای اهمیت فراوانی است. می‌گوید آخوندکشی دادگاههای مدنی خاص با ازدواج یک مرد با بیش از یک همسر در صورتی که مرد "توانایی اداره

وضع زندگی دو همسر را داشته باشد"، یعنی مرد از زمره افتیا باشد، موافقت می‌کنند. آخوند مزبور بدنبال این گفته روضه خوانی می‌کند که مرد باید "بین دو همسر به عدالت رفتار نماید!" هرگاه مردی حتی بدون اطلاع همسر بار دیگر ازدواج کند، چه می‌شود؟ آخوند مزبور در کمال گستاخی پاسخ می‌دهد که حتی در چنین صورتی هم زن "اعلام جرمی یا شکایتی علیه شوهر نمی‌تواند بکند". اما از آنجا که "اسلام ناب محمدی" باید بالاخره راه حلی برای این معضل داشته باشد، ایشان حقی را در این حالت برای زن در نظر می‌گیرد و آن هم اینست که زن "در این صورت حق طلاق دارد". یعنی حق دارد از دادگاه تقاضای طلاق کند و از خانه‌اش رانده شود. به این ترتیب حقوق مرد برای

ازدواج مجدد به هر تعداد و بهر شکلی مشخص شده است. اما حق مردها برای طلاق و امکانات قانونی یک زن برای مقابله با آن و استیفای حقوق در این زمینه چیست؟ قوانین در این عرصه بی‌هیچگونه ابهام و اماگری است. پاسخ رئیس دادگاههای مدنی خاص چنین است: "طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی مرد می‌تواند هر زمان که مایل باشد همسر خود را مطلقه کند و از نظر قانون هیچگونه شرطی در این مورد وجود ندارد." پس تکلیف فرزندان آنها چه خواهد شد. طبق قانون و شرح فرزندان آن مرد است و باید از آغوش مادر بیرون کشیده شود مگر "فرزندان ذکور تا دو سالگی... و دختر تا ۷ سالگی" این کودکان نیز پس از دو یا هفت سال باید مادر را ترک کنند و به منزل مردی بروند که مدعی است زمانی پدر آنها بود. در پناه قوانین جمهوری اسلامی و تعلیمات فقها هدهای از مردها فرصت می‌یابند که بهسران خویش را کتک بزنند. آخوندکشی می‌گوید در اینصورت زنها باید ادعای خود را ثابت کنند. یعنی مثلا

باید گردنی شکسته یا پائی قلم شده باشد تا دادگاه اسلامی بتواند حکمی بدهد در غیر اینصورت مجرم "در نظر خداوند... معذب (است) ولی زن... از نظر قانونی تعقیبی نمی‌تواند داشته باشد". با تحمیل چنین ضوابطی و تلاش در سلب حداقل حقوق از زنان، کانون خانوادگی در موارد بسیاری به چنان جهنم سیاهی بدل شده است که زن ناکزیر می‌شود به طلاق تمکین کند تا از آن جهنم رهایی یابد. آخوند مزبور نیز به این واقعیت اذعان دارد و می‌گوید: "بیشترین تقاضاهای طلاق از طرف خانم‌هاست". وی اما در همین مصاحبه به این پرسش خبرنگار پاسخ نمی‌دهد که میزان طلاق در سالهای حاکمیت جمهوری اسلامی به نسبت پیش از آن چه تغییراتی کرده است. اما آمار گویاست و نشان می‌دهد که درصد طلاق یعنی فروپاشی خانواده‌ها در دوره این حکومت و در زمان اجرای این ضوابط ارتجاعی و ضد بشری تاجه حد افزایش یافته است. این یکی از نتایج رنجبار اعمال آن ضوابط است.

سال	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳
تعداد موارد طلاق (در هزار)	۱۷	۱۶	۱۶	۱۸	۱۹	۲۰	۱۷	۱۸	۱۷	۱۵	۲۱	۲۴	۲۴	۳۱	۳۶	۳۵

تنها در شش ساله تحت سلطه جمهوری اسلامی، موارد طلاق در ایران نزدیک به ۲/۳ برابر افزایش یافت

ایرانی در یک شهر در برابر اجحافات مقامات امور پناهندگی گزارشی تهیه می‌کنیم. پس از گذشت فراز ماجرا نیز باید بنویسیم که اکنون تشکل پناهندگان در آن شهر چگونه است، پناهندگان از مقاومت متحدانه خود چه نتایجی گرفتند، در آینده باز ممکن است با چه مشکلاتی مواجه شوند و نظایر اینها. خلاصه این که باید در گزارشی به اصل استمرار، توجه کافی داشت.

دیده شده است که برخی از خوانندگان، خبرهای خود را به ایندلیل که "داغ" نیستند، برای نشریه ارسال نمی‌کنند. لازم است تاکید کنیم که هیچ خبری بی‌ارزش نیست. بسیاری از اخبار وارده ممکن است در نشریه بازتاب نیابند، این به معنی بی‌اهمیت بودن آنها نیست. یک خبر که خود بازتاب نمی‌یابد، ممکن است خبر دیگری را تقویت و تکمیل کند. ممکن است باعث شود خبر موثق از

خبر غیر موثق، تمیز داده شود. در نشریه خبر ما دسته‌بندی می‌شوند و به صورت یک مجموعه مورد بررسی قرار می‌گیرند. بسیاری از خبرها اگر با همس، نمودار و آمار همراه باشند، تاثیر قوی‌تری به جا می‌گذارند. ما بسیاری از خبرهای خود در خارج از کشور را می‌توانیم با همس و ضمایمی از این دست، همراه کنیم. با کمی تلاش و سازماندهی می‌توانیم خبرهای خود را از این لحاظ نیز تکمیل کنیم.

در خارج از کشور، به دلیل آزادی‌ها و امکاناتی که وجود دارد، می‌توان به سهولت برای تهیه گزارش‌های جامع به کارهای جمعی و علمی و آموزشی و ... رو آورد. تهیه پرسشنامه برای نظرخواهی، انجام مصاحبه، تشکیل میز گرد حول موضوعات معین، فراهم آوردن اطلاعات گسترده در زمینه یک موضوع از کانال‌های مختلف (تماس حضوری، تماس با سازمانهای آمار و

مطالباتی، رجوع به آرشیوها و کتابخانه‌ها... و داده پردازی علمی در زمینه مورد تحقیق، جریک و یا در مجموعه خود می‌توانند موجب شوند گزارشی مستند و علمی برای نشریه، فراهم آید. خوانندگانیکه در زمینه جامعه‌شناسی و رشته‌هایی نظیر آن تحصیل کرده و یا می‌کنند، می‌توانند مبتکر و راه‌نمای اینگونه تحقیقات باشند.

نکته آخر و مهم‌ترین نکته: نباید منتظر خبر ایستاد، باید دنبال خبر رفت! با برخورد فعال است که می‌توان به اصطلاح "ته یک قضیه را در آورد" برخورد فعال در زمینه کسب خبر باید که شکل جمعی نیز بیاید و سازماندهی شود. اغلب سازماندهی در زمینه خبر به معنی سازماندهی برای جمع آوری شنیده‌ها و ارسال آنهاست. این، از هیچ بهتر است ولی هنوز به معنی برخورد فعال با امر کسب خبر نیست. باید در این زمینه سازماندهی کرد، تقسیم کار

داشت، کنترل و پیگیری کرد و امکانات جمعی تدارک دید.

جمع‌آوری و ارسال خبر، یکی از شکل‌های مهم همکاری با نشریه است. مادر آینده برای گسترش همکاری خوانندگان، به درج مقالات توضیحی در زمینه شکلهای دیگر همکاری نیز اقدام خواهیم کرد. در هر مورد منتظر پیشنهادها و مطالب تکمیلی و انتقادی از جانب خوانندگان هستیم. برای "اکثریت" نامه بنویسید، ضمن ارسال خبرها و گزارشهای خود، در مورد نشریه و مطالب آن اظهار نظر کنید، خود برای نشریه مطلب تهیه کرده و پیشنهاد مایاتان را برای بهبود مطالب نشریه و گسترش همکاری خوانندگان با آن، با ما در میان بگذارید. هدف و آرزوی نشریه، برقراری فشرده‌ترین رابطه با خوانندگان خود است.

(پایان)

جنجال آخرین و سوسه مسیح

سخن روز

فیلم "آخرین و سوسه مسیح" ساخته مارتین اسکورسیسی فیلمساز آمریکایی بر اساس نوشته نیکوس کازانتزاکیس نویسنده یونانی، که هم اکنون در کشورهای غربی روی اکران است، جنجال بزرگی به پا کرده است. این فیلم، که منتقدان در مورد آن تاکید می کنند که سبک های معمول فیلم های هالیوودی به بخشهایی از آن جنبه تجارتي و مبتذل هم داده است، از رویاهای آرزوها و سوسه های کاملاً "زمینی" مسیح حکایت می کند. در این فیلم،

مسیح در حالی که روی صلیب جان می دهد، رویای زندگی به عنوان یک انسان عادی، انسانی که می خورد، می نوشد، عشق می ورزد و لذت می برد را می بیند.

"آخرین و سوسه مسیح" اعتراض افراطیون مذهبی، به ویژه فرقه های متعصب کاتولیک را برانگیخته است. در پاریس حتی یک سینما به خاطر نمایش فیلم اسکورسیسی توسط کاتولیکهای دو آتشه طلعمه حریق شد. افراطیون مذهبی در بسیاری از

شهرهای اروپای غربی علیه نمایش این فیلم دست به تظاهرات و تحصن زده اند. آنها که مسیح را "پسر خدا" و موجودی مبری از همه "وسوسه ها" می دانند، همه تلاش خود را به کار می برند تا این فیلم بعنوان اثری کفرآمیز ممنوع شود.

مدافعان آزادی هنر، جدا از موافقت یا مخالفتشان با مضمون و شکل فیلم، با این دخالت کلیسا در زندگی فرهنگی، که یادآور تفتیش عقاید و اختناق قرون وسطایی است، به مقابله برخاسته اند.

"معنای شعار نه شرقی نه غربی این نیست که به همه فحش بدهیم. علیه آزادی شعار می دهید که خیلی پست هستند و احترامی ندارند و شما با این شعارها آنها را بزرگ می کنید، ولی آنها به ساخت مقدس بزرگان ما و یا حتی حضرت امام جسارت می کنند. خدا نیز در قرآن می گوید به خدایان آنها فحش ندهید چرا که آنها به خدایان شما فحش می دهند".

خلخالی در مجلس به نقل از کیهان دوم آبان

ایستگاه

ناظم حکمت



دریا نرده سالکی اندیشید ؛
 "ای کاش رسی های زرددا شتم
 و دختران نکا هم می کردند"
 درخا نرده سالکی اندیشید ؛
 "پدرم چرا دکا صررا خسته کرد
 آیا کاش رخانه ها نتره کلان پدرم را میمانند؟
 دربیست سالگی اندیشید ؛
 "آیا به دستم زدم فزوده خواهد شد؟"
 دربیست و یک سالگی اندیشید ؛
 "پدرم درینجا ه سالگی مرد"
 من نیز چنین رودخوا هم مرد؟"
 دربیست و دو سالگی اندیشید ؛
 "اگر بیکار ریمانم"
 دربیست و چهار سالگی اندیشید ؛
 "اگر بیکار ریمانم"
 وهمچنان بکدیکار مانده بود
 تا پنجاه سالگی اندیشید ؛
 "اگر بیکار ریمانم"
 درسخا دوک سالگی کف ؛
 "پیرشدم"
 اما یکسال بیش از پدرزیستم
 اینک پنجاه و دو ساله است و
 بیکار
 اینک برپله ها ایستاده است
 و غرقه در طرفه ترین اندیشه ها ؛
 آیا در چند سالگی خواهم مرد
 و بهنگام مرگ لحافی بر روی
 دماغش نوک تیز و دراز
 خواهم داشت ؟

ایستگاه "حیدرپاشا" *
 بهار سال هزار و نهمصد و چهل و یک
 ساعت پا نرده .

بر روی پله ها ؛
 آفتاب
 خستگی
 اضطراب .

مردی
 ایستاده بر پله ها
 به چیزهایی می اندیشد ؛

لاغر ،
 ترسو

بادماغی نوک تیز و دراز
 و گونه های آبله کون .

مرد روی پله ها
 - "اوستا غالب" * ۲

با اندیشیدن
 به طرفه چیزها مشهور
 در پنج سالگی اندیشید ؛
 "ای کاش هر روز جلوا شگری می خوردم"
 در ده سالگی اندیشید ؛
 "ای کاش به مدرسه می رفتم"
 دریا زده سالگی اندیشید ؛
 "ای کاش از منزه ای جا قوسازی پدرم
 پیش از غروب آفتاب برمی گشتم"

روی گونه ها آبله کون

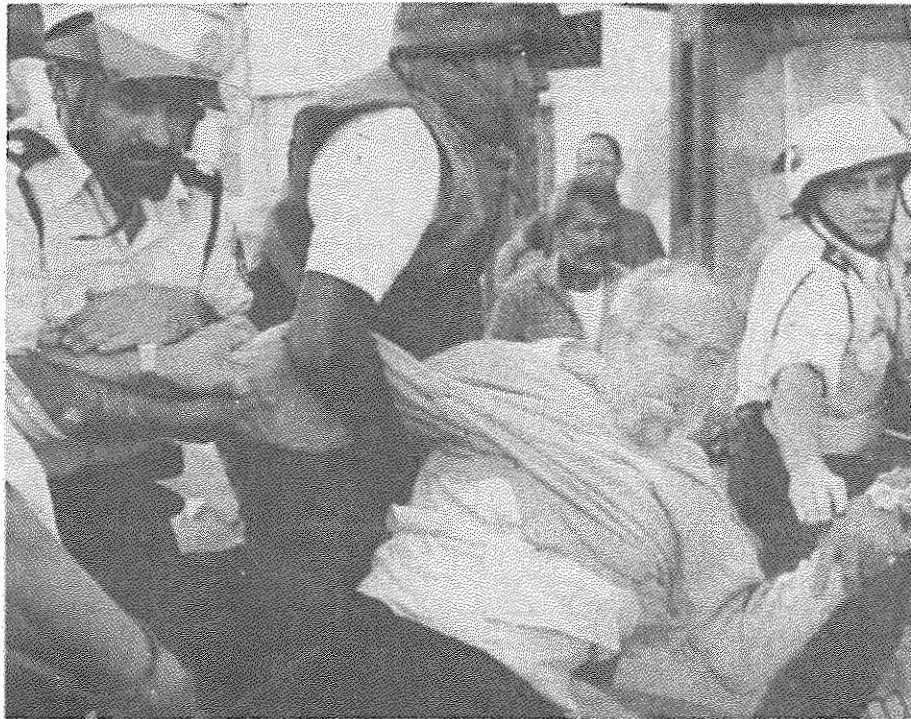
*
 در دریا با بوی ماهی
 در تخته کوبی هـ * ۳

با موربانه
 بهار ربه ایستگاه "حیدرپاشا" می آید .

۱ * ایستگاه قطار بین المللی استانبول
 ۲ * اسم خاص
 ۳ * اکثر خانه های قدیمی استانبول مانند
 برخی از خانه های قدیمی شمال ایران ،
 دارای سقف و کف تخته کوبی شده است .

 قطعه ای از منظومه بلند "مناظر می از انسان های
 میهنم" ترجمه ایرج نوبخت برگرفته از ضمیمه
 هفته نامه فرهنگی اجتماعی گیلان کادح خیر ۱۳۶۷

صحنه‌ای در مناطق اشغالی فلسطین



مرفای سپیدش مانع از آن نیست که در قیام خلق شرکت کند

پزشکی کشور
از زبان آمار

عده کل پزشکان در ایران ۱۶ هزار نفر است. نیمی از این عده تنها در تهران به طبابت مشغولند و در تمامی روستاهای کشور نقطه ۲۵۰ پزشک ایرانی حضور دارند. ۱۲۰۰ پزشک خارجی نیز در مناطق دوردست و روستاهای ایران به کار مشغولند. اگر تمامی آنها را سمیه روستا فرض کنیم به هر ۱۵ هزار روستائی یک پزشک اختصاص می‌یابد.

در حالیکه در سطح کل کشور برای هر ۳۰۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد. براساس استانداردهای پزشکی بین‌المللی برای هر هزار نفر لااقل یک پزشک باید در نظر گرفته شود. برای تامین این حداقل، کشور نیاز به ۴۳ هزار پزشک دیگر دارد. برآورد می‌شود که قریب ده هزار پزشک ایرانی در کشورهای اروپائی و بیش از ۲۰ هزار پزشک ایرانی در آمریکا به طبابت و امور درمانی مشغولند.

«ویروس کامپیوتری»

کامپیوتر موسسات مختلف به جریان انداخت که هملا کامپیوترها را فلج کرد. متخصصان، وقت زیادی را صرف راه‌اندازی دوباره سیستم‌های کامپیوتری کردند. بالاخره، خود باعث وبانی ماجرا که به مراکز حساس محاسبات موسسات نظامی و قضایی هم لطمه جدی وارد کرده بود، به پدر خود اطلاع داد که دست به این شوخی زده است. برنامه او را «ویروس کامپیوتری» نام داده‌اند. این گونه ویروس‌ها، در آینده خطری جدی متوجه سیستم‌های پیچیده کامپیوتری می‌کند. یک کارشناس علوم کامپیوتر در آمریکا ابراز نگرانی کرد که چنین پدیده‌هایی می‌تواند در آینده حتی به حملات هسته‌ای منجر شود. وی نتیجه گرفت که از آنجا که سیستم‌های فوق پیچیده، توسط انسان قابل کنترل نیستند، نمی‌توان به پروژه‌هایی مانند «جنگ ستارگان» ریکان اطمینان کرد.

یک دانشجوی ۲۴ ساله آمریکایی، با فرستادن یک برنامه کامپیوتری به روی هزاران کامپیوتر در ایالات متحده، این کامپیوترها را بمدت چند روز از کار انداخت. پیشرفت در علم کامپیوتر و مخبرات، به شکل‌گیری تدریجی سیستمی انجامیده است که در آن، کامپیوترهای بزرگ و کوچک به شبکه مخبرات (خطوط تلفن یا خطوط ویژه‌ای که به این منظور ایجاد می‌شوند) اتصال می‌یابند و از این طریق، می‌توانند داده‌ها و برنامه‌ها را ردوبدل کنند. اگر چه برای ورود به یک کامپیوتر معین از طریق شبکه مخبرات، دانستن حروف رمز معمولاً الزامی است، اما شیوه‌هایی وجود دارد که به کمک آن می‌توان از «درمخنی» وارد کامپیوتر شد. دانشجوی شوخ طبع آمریکایی، که پسریکی از کارشناسان برجسته کامپیوتر در آمریکا است، با استفاده از این شیوه‌ها، برنامه‌ای را روی هزاران

هجوم آورده‌اند

آگهی‌های مربوط به اجاره‌خانه برای خارجی‌ها فقط در یک ستون از صفحه نیازمندی‌های کیمان (۱۳) مخرج

<p>شرکت خارجی ویلا و آپارتمان جهت کارکنان خود سرمایه‌نماز مند است ۶۸۷۷۲۸</p>	<p>شرکت خارجی نیز مند آپارتمان و ویلا جهت باغیر مهله شهک در شمال شهر ۸۳۶۰۹۱ از ۷ شه‌مه‌د</p>
<p>خانواده آلمانی ویلا آپارتمان جهت سکونت خود نیاز مندند صحبها ۶۸۸۱۴۱ بمداز ظهر ۶۸۸۵۵۰</p>	<p>زوجد پهلما آپارتمان ویلا جهت سکونت خود نیاز مندند صحبها ۶۸۸۱۴۱ بمداز ظهر ۶۸۸۵۵۰</p>
<p>ویلاهای محلل لوکس مهله و غیر مهله برای ۲ صفر اروپائی با هر قیمت پیشنهادی جهت اجاره با خرید لوری نیاز مندیم ۶۳۱۱۵۰ و ۶۲۳۸۴۴</p>	<p>مورد نیاز اجاره چند دستگاه ویلا و آپارتمان در شمال شهر جهت اجاره با افراد خارجی لورا مورد نیاز است ۶۲۳۳۶۴ و ۶۲۷۴۵۵</p>

نوسازی در اتحاد شوروی و جنبش بین‌المللی کمونیستی

ماهنامه "مسائل صلح و سوسیالیسم" در شماره ۹ سال ۱۹۸۸ خود، متن گفتگویی با شرکت نمایندگان چند حزب کمونیست را با عنوان "نوسازی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (ا.ج.ش.س) و جنبش بین‌المللی کمونیستی" چاپ کرده است. در این گفتگو، شخصیت‌های زیر به نمایندگی از احزاب مختلف شرکت داشته‌اند: خوزه ریوا، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی (ک.م.) حزب کمونیست دومینیکن و دبیر (ک.م.) برای روابط بین‌المللی؛ جرج تویی، دبیر ک.م. حزب کمونیست اسرائیل و مسئول شعبه روابط بین‌المللی کمیته مرکزی؛ یابلو ساندووال رامیرز، عضو شورای ملی حزب سوسیالیست مکزیک؛ دکتر فلسفه دامیان پرتل، عضو ک.م. حزب کمونیست اسپانیا؛ جیمز وست، عضو کمیته اجرایی ملی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا؛ پروفسور یوری کراسین، رئیس موسسه علوم اجتماعی در جنب ک.م. حزب کمونیست اتحاد شوروی (ج.ک.ا.ش.) بخش‌هایی از این گفتگو را در این شماره میخوانیم.

الهام نوین یا دشواریهای بیشتر؟

خ. ریوا: در میان نیروهای دمکراتیک جمهوری دومینیکن، می‌توان دو موضع اصلی در قبال نوسازی در اتحاد شوروی را تشخیص داد. بخشی از جنبش دمکراتیک، به تحولات در ا.ج.ش.س. با بدبینی معینی می‌نگرد و معتقد است از این طریق امکان دارد به مرور نیروی رزمنده انقلابی کمونیست‌های شوروی تضعیف شود. به چنین نظری در گفتگو با دانشجویان، روزنامه‌نگاران و روشنفکران در موارد نسبتاً زیادی برمی‌خوریم...

در همین حال در محافل گسترده‌ای از جنبش چپ و دمکراتیک این اعتقاد ابراز میشود که نوسازی در اتحاد شوروی، بر توان اقتصادی آن خواهد افزود، به گونه‌ای که این کشور در مسابقه با کشورهای سرمایه‌داری میتواند در موضع بهتری قرار گیرد و کمک بیشتری به نیروهای انقلابی در سراسر جهان بکند. از این گذشته، نوسازی ثابت میکند که اگر سوسیالیسم بگونه‌ای موثر ساخته شود، تاجه جدیدی را پیش رود. این موضع، در حزب ما نیز طرفداران بسیاری دارد، حزب در کلیت خود با این موضع موافق است.

برای حزب کمونیست دومینیکن، نوسازی از این رو نیز دارای اهمیت است که به لحاظ ایدئولوژیک، مخالفین را که در کشور ما به اتحاد شوروی و سیاست حزب کمونیست دومینیکن، حمله میکردند، خلع سلاح کرده است. اکنون دیگر افراطی‌ترین گروه‌ها هم بجانه‌ای برای حمله به ا.ج.ش.س. ندارند. البته آنها کماکان از حزب ما انتقاد می‌کنند، اما زیر پرچم طرفداران نوآوری، و در این رابطه میگویند که حزب نوعی دموکراتیزه کردن بی‌کران تحمیل و انضباط درون حزبی را تضعیف کنند.

اما در مجموع، دشواریهایی که برای فعالیت کمونیست‌ها ایجاد شده‌اند، به نظر من بزرگ نیستند. جنبه‌های مثبت، وزن بسیار

بیشتری دارند. یکی از این جنبه‌ها این است که به برکت نفوذ اندیشه‌های نوسازی، حزب ما توانست بار دیگر با آن نیروهای دمکراتیک که علاقه به سوسیالیسم واقعا موجود را از دست داده بودند، تماس برقرار سازد...

ج. وست: افکار عمومی کشور ما به نوسازی و هلنیت، قبل از هر چیز از زاویه روابط آمریکا و شوروی می‌نگرد. ما امروز میتوانیم با قاطعیت کامل بگوئیم که شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی در ایالات متحده موضعی را از دست داده‌اند. مردم می‌بینند که بعثت ابتکارات ا.ج.ش.س.، گذار از رویارویی به همزیستی مسالمت آمیز به مثابه شکل حل مسائل بین‌المللی آغاز شده است...

برای کمونیست‌های آمریکا، نوسازی امکانات نوینی فراهم کرده است. می‌خواهم چند نمونه بیاورم که چگونه برخورد به حزب ما دستخوش تغییر و کمونیسم ستیزی روبه تضعیف است. در "لورن" یکی از رفقای ما بنیانگذار اتحادیه کارگران فولاد آنجا بود. در زمان جنگ سرد میخواستند نام او را به فراموشی بسپارند، اما اخیراً در یک گردجمایی سندیکایی به اتفاق آرا تصمیم گرفته شد که نام این رفیق بار دیگر در فهرست بنیانگذاران سندیکا آورده شود...

نمونه‌های دیگر، وقتی در شیکاگو کارخانه‌ای تعطیل شد، مدیریت باپرداخت باز خریدی که در قرارداد آمده بود، مخالفت کرد. اخیراً پس از یک مبارزه سخت، مدیریت مبلغ مذکور را به‌خارج شدگان پرداخت. بدین ترتیب مبارزه‌ای که در راس آن یک کمونیست قرار داشت، با موفقیت پایان یافت. چنین رویدادهایی بر اعتبار حزب ما می‌افزایند...

در همین حال، مسائل جدیدی به همت تحریف نوسازی و هلنیت در کشور ما پیش می‌آیند. برخی حتی برخی از اعضای حزب ما معتقدند نوسازی چیزی مانند "بهار پراک" ۱۹۶۸ است که در واقع، یک توطئه کودتای ضد انقلابی بود. برخی رویزیونیست‌های سابق، ماهیت نوسازی و هلنیت را غیر از آنچه هست قلمداد میکنند و میخوانند از آن علیه حزب بهره ببرند. آنها مدعی‌اند که در سال ۱۹۶۸ حق داشته‌اند و فیرد. در یک کلام، دشواری ما وجود دارد.

د. پرتل: در اسپانیا، نوسازی قبل از هر چیز شادمانی زیادی برانگیخته است، آنهم نه تنها نزد نیروهای چپ و ترقیخواه، بلکه همچنین در میان اقشار گسترده جامعه. دلیل این امر این است که نوسازی، قدرت حیات شگرف سوسیالیسم به مثابه یک نظام اجتماعی را آشکار کرده و نشان داده است که در سوسیالیسم، بیش از یک کشور دمکراتیک سرمایه‌داری، دموکراسی نرفته است. نوسازی همچنین به روشنی نشان داده

است که استالینیزم و نئواستالینیزم زمان برژنف، ناشی از ذات سوسیالیسم نبوده‌اند، با آن بیگانه‌اند و نوعی انحراف از طبیعت آن را تشکیل می‌دهند. در افکار عمومی اسپانیا این امر هر چه بهتر درک میشود که سوسیالیسم، بدون آزادی و دموکراسی نمیتواند موجودیت داشته باشد...

برای حزب ما بطور بلاواسطه، نوسازی از این جهت نیز اهمیت دارد که اندیشه‌هایی را مورد تاکید قرار داده است که خود ما در رابطه با سوسیالیسم، آزادی و دموکراسی و نیز در هر صه سیاست بین‌المللی شکل داده بودیم. اینک این اندیشه‌ها در جریان نوسازی با اقدامات شجاعانه دیپلماتی شوروی باز هم تکامل یافته‌اند.

شاید همه بدانند که در اسپانیا مسئله وحدت کمونیست‌ها چقدر حساس است. به نظر من، نوسازی نشان داد که نباید گذاشت احزاب کمونیست دچار انشعاب شوند و نباید از بیرون به انشعاب کمک کرد. روند نوآوری جاری در ا.ج.ش.س. به وحدت سه گروه کمونیستی که در کشور ما وجود دارند، کمک میکند و در این جهت تاثیر میگذارد که نحوه نگرش همبانه و ساده‌نگرانه دکماتیستی به سوسیالیسم از میان برود.

می‌خواهم به مسئله دیگری نیز اشاره کنم که برای حزب ما و همه کمونیست‌های اسپانیا اهمیت ویژه‌ای دارد. همانگونه که مشهود است، نیروهای محافظه‌کار فعال برخی از گروه‌های کمونیستی کشور ما، با نظرات آن نیروهای بوروکرات و واپس‌گرا که در برابر نوسازی در ا.ج.ش.س. به این یا آن شکل مقاومت میکنند، موافقت و میگویند به آنها تکیه کنند. این محافظه‌کاران ما امیدوارند که تا وقتی هم نظرانشان در کشورهای سوسیالیستی مواضع خود را حفظ کرده‌اند، بتوانند از وحدت کمونیست‌های اسپانیا جلوگیری کنند. از این رو جریان مثبت نوسازی در ا.ج.ش.س.، بر وضعیت جنبش کمونیستی کشور ما نیز تاثیر بسیار مثبتی خواهد داشت.

ج. تویی: می‌خواهم بر دو نکته تاکید کنم. اولاً نوسازی جامعه شوروی ضرورت مبرم داشت و هم در خدمت رشد و تکامل سوسیالیسم در اتحاد شوروی بود و هم از زاویه وضعیت نوین و متحول بین‌المللی، در واقع اجتناب‌ناپذیر بود. ثانیاً این روند هنوز پایان نیافته و ادامه دارد. این روند نیز مانند هر ابتکار و هر چیز نو، طبیعی است که به برخی دشواریهای همینی و ذهنی برخورد کند. اما باید بر این نیز تاکید کرد که ابتکار عمل در انجام تحولات انقلابی درون ا.ج.ش.س. و در سیاست خارجی که بسود صلح است، تنها میتواند در دست ج.ک.ا.ش. باشد.

نوسازی، در جهان، در همه کشورها با علاقه

جهان سوسیالیستی گناهکار و زمینی ما با همه تضادهایش است. و با این همه، امروز با این جهان احساس نزدیکی بیشتری می‌کنیم زیرا این سوسیالیسم را با همه برتری‌ها و کاستی‌هایش با در دورنخ ساخته‌ایم.

به گمان من، این امر بر جنبش بین‌المللی کمونیستی نیز تاثیر زیادی دارد. زیرا فاصله میان آرمان و واقعیت، به این انجامیده است که در اسناد برنامه‌های احزاب کمونیست، در موارد بسیاری همان سوسیالیسم مجرد، بدون تضادها و دشواری‌ها به مثابه نوعی هدف مافوق زمینی و بدور از واقعیت، ترسیم شده است. از این رو، کمونیست‌ها گاه به اعضای یک فرقه منزوی می‌مانند که با هم به زبان یک آرمان مجرد سخن می‌گفتند. اما خارج از این دایره کوچک آگاهان به "اسرار هرفان"، کسی این زبان را نمی‌فهمید زیرا این زبان، زندگی واقعی با همه تضادهایش را نادیده می‌گرفت. اکنون ما برای نخستین بار این وظیفه را فراروی خود قرار داده‌ایم که امکانات جامعه سوسیالیستی کاملا زمینی را در یابیم، و این هدف، بازتاب خود را در فرمول "دمکراسی بیشتر، سوسیالیسم بیشتر" که توسط حزب ما مطرح شده است، می‌یابد...

امروز وظیفه ماست که الگوی لنینی سوسیالیسم را احیا کنیم. اما به نظر من، این کافی نیست، زیرا زندگی از زمان لنین تاکنون بسیار پیش‌رفته است. در این فاصله، مسائل کاملا جدیدی مطرح شده‌اند، مثلا در رابطه با انقلاب تکنولوژیک و هواقیب آن که لنین نمی‌توانست پیش‌بینی کند، از این رو نباید به احیای طرح لنینی سوسیالیسم اکتفا کرد، بلکه باید با افزودن تجاربی که کل بشریت در این فاصله گردآورده است، فضای آن را بیشتر کرد...

نو اندیشی و گنجینه تئوریک

ج. وست: لازم است تئوری مارکسیسم - لنینیسم از زاویه مسائل امروز بطور همه جانبه تکامل داده شود. وابستگی متقابل جهان، مبارزه طبقاتی را از میان نمی‌برد، بلکه به آن چارچوب جدید و اشکال جدیدی می‌بخشد. به نظر من باید به تفصیل به این مسئله پرداخت که کدام تزیای اساسی مارکسیسم - لنینیسم، مثلا در رابطه با ماهیت سرمایه‌داری، کماکان به قوت خود باقی‌اند، کدام‌ها باید تغییر داد و از کدام‌ها باید به کلی دست کشید. از ماهیت سرمایه‌داری این انگیزه ناشی می‌شود که بر تضادهای جدی با توسل به قهر و اقدامات مسلحانه، از طریق جنگ، فائق آید. در این رابطه نباید تسلیم توهمات شد. ما باید توجه خود را قبل از همه بر طبقه کارگر، خلقهای ستم‌دیده و نیروهای نوینی متمرکز کنیم که در مقابل سرمایه‌داری قرار دارند و قادرند آن را وادار به عقب‌نشینی و به حساب آوردن اراده صلح خواستی مردم کنند. جنگ ویتنام و جنگ در کره و سایر شکست‌های امپریالیسم آمریکا تایید کردند که امکان این امر وجود دارد. می‌خواهم تاکید کنم که جنبش جهانی نیروهای صلح در پایان دادن به این جنگ‌ها از سوی امپریالیسم، نقش تعیین‌کننده داشته است. بقیه در صفحه بعد

ج. تویی: رفیق پرتل، من به هیچ وجه انتقاد نکردم، بلکه خواستم تنها بر یک چیز تاکید کنم: اکنون که در جنبش بین‌المللی کمونیستی، نوسازی همیتی جریان دارد، ما نباید دوباره به اختلاف نظرهای قدیمی بپردازیم و در این باره بحث و جدل کنیم که حق باک بود و باک نبود. من معتقدم که در جریان ادامه این روند، مسائل بسیاری روشن خواهد شد. چنین برخوردی به نظر من در مرحله کنونی به سود همه احزاب است. این امر به هیچ وجه بدین معنی نیست که من نظرات متفاوتی را که در گذشته وجود داشت، به حساب نمی‌آورم. اما بگذارد امروز اختلافات دیروز را به کنار نهیم. امیدوارم این بار نظرم را روشن گفته باشم.

د. پرتل: شاید منظور مرا درست درک نکرده‌اید. من به هیچ وجه قصد ندارم اختلاف نظرهای قدیمی را دوباره مطرح کنم. اما می‌خواهم روشن کنم: گذشته، بخشی از فرهنگ سیاسی امروز است. این امر برای کمونیست‌های اسپانیا اهمیت زیادی دارد. ما نمی‌خواهیم از کسی انتقاد کنیم یا به کسی در سب‌دهیم، بلکه فقط می‌خواهیم بگوییم که نوسازی برخی نظریات تئوریک ما را تایید کرده و علاوه بر این، آنها را بطور اساسی تکامل بخشیده است. اما در همین حال ما در مورد برخی مسائل مرتکب خطا بودیم.

حال که در باره گذشته سخن می‌گوییم، مایلیم تنها یادآوری کنم که رفقای شوروی اینک می‌کشند تاریخ کشور خود را از ۱۹۱۷ به بعد و تاریخ حزب خود را بطور همی بازنگری کنند. گواه این امر، مقالات زیاد در مطبوعات شوروی، مثلا در باره مسئله استالینیسم و یا ماهیت حیثیت اخیر از بوخارین و سایر مسئولان حزبی برجسته است که از زمره یاران لنین بودند و توسط استالین از میان رفتند.

برخورد به گذشته، کمک می‌کند که از خطاها بیاموزیم و سیاست امروز حزب را بهتر شکل دهیم. آنچه را که گفتیم، دقیقاً باید از این زاویه فهمید. من این را کاملا صادقانه و بدون منظور دیگری می‌گویم.

ی. کراسین: تا قبل از آغاز نوسازی، در ا.ج.ش. سه دوره همیتی میان آرمان ما که بصورت سوسیالیسم مجرد و "به لحاظ شیمیایی خالص" نشان داده می‌شد، واقعیت تغییر شکل داده شده‌ای که از بسیاری جهات، نه تنها با آن آرمان، بلکه حتی با تصورات ابتدایی در باره جامعه سوسیالیستی انطباق نداشت، وجود داشت. منظور من، پدیده‌هایی مانند بوروکراسیسم، بیگانگی با انسانیت که در زمان استالینیسم تا حد سخت‌ترین تضییقات پیش رفت، افزایش افراطی نقش دستگاه دولتی و رشد ناکامل سنن دمکراتیک در جامعه ماست. بطور خلاصه، واقعیت با آرمان در تضاد بود، و این تضاد خود را هر چه حادثتر و تحمل‌ناپذیرتر نشان می‌داد. اکنون بر این تضاد انکشت گذاشته شده است، و ما در یافته‌ایم که کمونیسم، یک تجرید نیست، که آرمان، در جریان ساختمان جامعه نوین شکل می‌گیرد. آنگاه ما به تعبیری، آرمان را به روی زمین باز آوریم. ما فهمیدیم که سوسیالیسم چیزی نیست که در آسمان معلق باشد، بلکه همین

زیاد دنبال میشود. اسرائیل هم از این قاعده مستثنی نیست. گفتن اینکه واکنش‌ها در قبال تحولات در جامعه شوروی، در کشور مایکاپار چه موافق یا مخالف است، ساده کردن قضیه است. برخوردها متفاوت است و فقط آری یا نه وجود ندارد. باید حتما دانست که مخالفان و دشمنان ما می‌خواهند از کدام وجه این روند انقلابی بسود خود بهره گیرند. بنظر من میرسد که از آنجا که آنها اکنون در موقعیت دشواری قرار دارند که باز هم پیچیده‌تر می‌شوند، خواهند کوشید ماهیت نوسازی را تحریف کنند. به عنوان نمونه، آنها می‌گویند: "ما که به شما کمونیست‌ها گفته بودیم سوسیالیسم الگوی کارآمدی برای جامعه نیست. حال نوسازی ثابت میکند که سوسیالیسم بازدهی ندارد!"

باید خلاف این ادعای بی‌پایه و بی‌مایه را نشان داد. ما باید در رابطه با نوسازی پیوسته تاکید کنیم که سوسیالیسم علمی و اصول جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم، اعتبار خود را از دست نداده‌اند و سوسیالیسم به مثابه نظام اجتماعی، یک سلسله بلند از امتیازات و برتری‌ها دارد. این بهیچ وجه بدین معنی نیست که ما از خطا موهونیم. اما در باره خطاهایی که مثلا در ساختمان جامعه نوین در ا.ج.ش.س. پیش آمده، چگونه باید تضاد کرد؟ بنظر من کاملا روشن است که این خطاها ناشی از ماهیت سوسیالیسم نبودند، بلکه دقیقا در تضاد با اصول آن قرار داشتند.

از برخی دشواریهایی که در رابطه با نوسازی بعثت تحریف آن در خارج از حزب ما ایجاد شده است، نام بردم اما در حزب ما نیز میتوان مشکلات معینی را مشاهده کرد. برخی رفقای دیگر طوری رفتار میکنند که انکار دیگر اهل سانسوالیسم دمکراتیک وجود ندارد، و خواستار آزادی عمل کاملند. آنها در پاسخ به انتقاد رفیقانه می‌گویند: "ما در عصر نوسازی زندگی میکنیم، اکنون همه چیز مجاز است." از اینرو باید با هرگونه تحریف ماهیت واقعی نوسازی با قاطعیت مقابله کرد.

می‌خواهم در باره آنچه رفیق پرتل گفت هم اشاراتی بکنم. برخی احزاب برادر، اکنون در رابطه با روند نوسازی می‌گویند که قبلا "دوراندیشی" نشان داده‌اند و نوسازی برخی نظرات سیاسی و ایدئولوژیک مورد اختلاف را که آنها داشتند تایید کرده‌است. بنظر من چنین مقایسه‌ای خطر دو خطا را در بر دارد. اولاً: اگر این راه را در پیش بگیریم، بطور اجتناب‌ناپذیر به بن‌بست بحث‌های بی‌پایه میرسیم. ثانیاً: هرکس چنین موضعی را بیان بکند، در عمل نقش ح.ک.ا.ش. را به مثابه تنها نیروی محرکه جامعه شوروی که میتواند خطاها را تشخیص داده به تحولات گسترده بپردازد، نادیده می‌گیرد. اکنون نمی‌خواهم در باره این مسئله به بحث دامن بزنم زیرا معتقدم "دوره دوپچک" در چکسلواکی و نیز نظرات برخی احزاب کمونیست اروپای غربی در سالهای ۵۰ با آنچه در ا.ج.ش.س. امروز جریان دارد مطابقت ندارد.

د. پرتل: رفیق تویی، نمی‌توانید اشارات انتقادی خود را کمی دقیق‌تر کنید؟

نوسازی در ...

بقیه از صفحه قبل

ی. کراسین: می‌خواهم به این مسئله مطرح شده از سوی رفیق وست بپردازم که در جهان امروز، مبارزه طبقاتی چه نقشی ایفا می‌کند. نوسازی در ا.ج.ش.س. اهداف طبقاتی نهایی ما کمونیست‌ها را زیر علامت سؤال نمی‌برد. این را خیلی‌ها در می‌یابند...

اما در عین حال ما باید به نظر من حرکت به سوی این هدف را در جهان هسته‌ای فضایی و در آن واحد یکپارچه و متضاد خود، مورد بازبینی قرار دهیم. لنین بارها بدین اشاره کرد که مارکس و انگلس در باره زمان دستیابی به اهداف انقلابی، گاه اشتباه می‌کردند همین را می‌توان تا حد معینی در مورد لنین هم گفت. بیاد آورید: لنین پس از انقلاب اکتبر یا به عبارت دقیق‌تر در سال ۱۹۱۸، مکرراً پیروزی قریب الوقوع انقلاب جهانی سوسیالیستی را پیش‌بینی می‌کرد (طرف یک سال)، اما بعداً هدف به آینده دوری منتقل شد.

بگذارید یک بار به همه چیز در ابعاد تاریخی بنگریم. انقلاب بورژوازی، که در مناسبات مالکیت، به هیچ وجه چنان نقطه عطف همیتی مانند انقلاب سوسیالیستی محسوب نمی‌شود، در فرانسه در سال ۱۷۸۹ آغاز شد، و در این کشور همانطور که می‌دانیم طبق ارزیابی مارکس در سال ۱۸۷۱، با کمون پاریس خاتمه یافت. یعنی در تاریخ این کشور تقریباً صدسال گذشته بود. اما در مقیاس جهانی، انقلاب بورژوازی در برخی کشورهای رشدیابنده امروز هم ادامه دارد. پس چگونه می‌توان انتظار داشت که انقلاب سوسیالیستی ظرف ۷۰ سال به پیروزی تعیین کننده برسد؟

اگر برنامه‌های مصوب کنگره ۲۷ ح.ک.ا.ش. تحقیق یابند، ا.ج.ش.س. در هر صده بازده کار، به سطح آمریکا در سال ۱۹۸۵ خواهد رسید. بنابراین ما تنها می‌توانیم این رویا را داشته باشیم که تا صدمین سالگرد انقلاب اکتبر، از نظر بازده کار از ایالات متحده پیشی بگیریم، اما این همه، مربوط به یک کشور است، و وقتی به تضایدر مقیاس جهانی بنگریم، واضع چگونه است؟

خلاصه کنم، روند انقلاب اجتماعی که در زمان حمله به کاخ زمستانی، در زمانی که گمان می‌رفت "نبرد نهایی و تعیین کننده" آغاز شده است، به نظر ساده می‌رسد، در واقعیت روشن شده است که یک روند بسیار طولانی تاریخی است که تنها یک قرن به طول نمی‌انجامد. البته سرمایه‌داری امروز دیگر آن سرمایه‌داری نیست که در سال ۱۹۱۷ یا در نخستین سالهای پس از جنگ بود. سوسیالیسم نیز وارد مرحله رشد جدیدی شده، وضعیت کیفیتاً نوینی را هدف قرار داده است. از این همه، برای کمونیست‌ها این ضرورت عمده می‌شود که تصورات کهنه شده را مورد تجدید قرار داده، الگوهای کلیشه‌ای را کنار بگذارد.

تنها به نمونه یک مقوله اساسی تئوری مارکسیستی که دیکتاتوری پرولتاریاست، بپردازیم. همه ما می‌دانیم که این اصطلاح هملا

دیگر در اسناد جنبش کمونیستی به کار نمی‌رود. آیا این امر تصادف یا تاکتیک است؟ به هیچ وجه، این امر ناشی از تغییر نظام مباحث تئوری است که در آن، واقعیات جدید بازتاب می‌یابد. در کشورهای رشدیافته سرمایه‌داری، طبقه کارگر امروزی شکل می‌گیرد و فاعل تحولات اجتماعی، به لحاظ کیفی هم در گستره و هم در ژرفا تغییر می‌کند. بواسطه انقلاب تکنولوژیک، بخش عمده نیروی کار به هرصه انفرماتیک و خدمات انتقال می‌یابد. خود این نیروی کار به قول مارکس، هرچه بیشتر به ترکیبی از نیروهای اجتماعی تبدیل می‌شود که شامل پتانسیل کارکنان فکری جامعه و کارکنان علمی نیز می‌شود. کارگر مولدی شکل می‌گیرد که از اساس با دهه‌های ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰ متفاوت است.

گمان می‌کنم اگر بگویم گذار این کشورها به سوسیالیسم به احتمال بیشتر از طریق خواست مشترک اکثریت جمعیت صورت خواهد گرفت، رفقای ما در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری با من موافقت خواهند داشت. البته در این صورت طبقه کارگر امروزی و نیروهای مارکسیستی باید از عمده نقش خود به مثابه نیروی رهبری کننده و پیشاهنگ برآیند. اما خصلت طبقاتی و شیوه‌های اعمال قدرت در دوره گذار تطابق چندانی با آنچه معمولاً تحت عنوان دیکتاتوری پرولتاریا درک می‌شود، نخواهد داشت. واقعیات جدید، اصطلاحات جدید نیز می‌طلبند. از این رو من ضمن موافقت با رفیق وست در این مورد که مبارزه طبقاتی کماکان نیروی محرکه پیشرفت باقی می‌ماند، مهم می‌دانم که تدقیق شود که ما در جهان امروز از این مبارزه چه درکی داریم. تئوری مارکسیستی در برابر وظایف پیچیده‌ای قرار دارد، چرا که - تخریب بگویم - ما در تبیین تئوریک واقعیات، دچار عقب ماندگی قابل توجهی شده‌ایم.

د. پرتل: من می‌خواهم تاکید ویژه‌ای بر مسائل تئوریک بکنم که تفکر نوین سیاسی در دستور کار قرار داده است. قبل از هر چیز، در درک از فرمول "همزیستی مسالمت آمیز" که، اگر درست فهمیده باشیم، دیگر به مثابه شکل مبارزه طبقاتی برداشت نمی‌شود، تحول آشکار است... از سوی دیگر نوسازی به روشنی به ما می‌آموزد که فعالیت احزاب کمونیست نباید تابع ضروریات سیاست خارجی اتحاد شوروی باشد. درک من از تز "وحدت در تنوع"، همکاری احزاب کمونیست مستقل و چشم‌پوشی از وجود یک حزب رهبر در جنبش ماست.

... این حکم نیز بسیار مهم است که عامل ذهنی در جامعه نوین اهمیت بیشتری می‌یابد. من در این امر، گسست از نظرات استالینی را می‌بینم که هم به جامعه شوروی و هم به اعتبار ایده سوسیالیستی در جهان لطمه سنگینی وارد کرده‌اند.

در مجموع، تفکر نوین سیاسی بار دیگر نشان می‌دهد که مارکسیسم جزم‌گرا در واقع وجود ندارد، زیرا مارکسیسم جزم‌گرا دیگر مارکسیسم نیست. نوسازی، تکالیف نیرومند در جهت رهایی مارکسیسم لنینیسم از قیدوبندهای نه تنها دکماتیسم، بلکه همچنین تئودکماتیسم زمان برژنف و سوسلف است.

به نظر من در جریان نوسازی ضرورت مبرم دارد که تفکر نوین، فلسفه مارکسیستی و سایر علوم اجتماعی را نیز دربرگیرد. باید این نظر غالب شود که فلسفه، دانش متد و شکل تفکر و شناخت است و نه یک جهان بینی مجرد... .

خ. ریوا: در آمریکای لاتین این تصور در حال شکل‌گیری است - و این نه تنها نظر ما، بلکه نظر احزاب کمونیست دیگری نیز در منطقه هست - که حل مسائل صلح و خلع سلاح، می‌تواند همبستگی با مبارزه خلق‌های راکه در راه‌هایی ملی می‌رزمند، به نوعی درجه دوم کند. در این رابطه، همه چیز مهم است: هم فرمولبندی درست تئوریک و هم - قبل از هر چیز - محتوای سیاست عملی نمایندگان عالی‌رتبه اتحاد شوروی، به ویژه رفیق گارباجف، اغلب از امنیت مشترک، وابستگی متقابل در جهان امروز و مسئولیت مشترک سخن می‌گویند. به نظر ما به این مسائل شاید بیش از حد زیادتر از آنچه لازم است توجه می‌شود، و از این طریق به اصطلاح "دست و بال" جنبش‌هایی بخش‌بسته می‌شود...

ج. وست: در کل با رفیق کراسین موافقم، به استثنای مسئله کارگران شاخه‌های سنتی صنایع. این گرایش مشهود است که این گروه که گویا نقش عمده خود را از دست می‌دهد، نادیده گرفته شود. ترجیح داده می‌شود توجه اصلی به کارگران شاخه‌های نو و روبه رشد معطوف گردد. اما در هر جامعه صنعتی، کارگرانی وجود دارند که در شاخه‌های پایه‌ای صنعت شافلند، و آنها در متحد کردن کل طبقه، از جمله انواع جدید کارگران، کماکان نقش تعیین کننده را خواهند داشت. باید در نظر گرفت که کارگران شاخه‌های پایه‌ای، حامل بهترین سنن تاریخی کل طبقه‌اند. البته اکنون دیگر برخی از شاخه‌های جدید نیز در زمره شاخه‌های پایه‌ای اند...

ی. کراسین: به نظر من، تجربیات انقلاب‌های رهایی بخش ملی، از جمله آمریکای لاتین، به روشنی کافی نشان داده‌اند که بزرگترین مانع برای آنها مسئله اقتصاد است. وقتی هم که انقلابی پیروز می‌شود، مثلاً زمانی که در شیلی چنین شد و یا امروز در نیکاراگوئه چنین است، فوراً مسئله برنامه اقتصادی مطرح می‌شود، و انقلاب دچار وقفه می‌گردد. درست بر این زمینه، کودتای ضدانقلابی در شیلی شکل گرفت. خلاصه کنم، می‌خواهم بگویم در جهان به هم پیوسته امروز، حل مسائل انقلاب‌های رهایی بخش ملی بدون تردید با برقراری یک نظام اقتصادی دموکراتیک بین‌المللی ارتباط دارد. اما این هم خود به گونه‌ای ارگانیک با مسائل خلع سلاح مربوط است، یعنی با تامین منابع برای ارضای نیازهای مبرم و دراز مدت جمعیت جهان، برای محو مناسبات ناهادانه اقتصادی. من مطلقاً نقش جنبش‌های رهایی بخش را منکر نمی‌شوم، اما این مسئله تبدیل به مسئله‌ای بین‌المللی می‌شود و با مبارزه برای جهانی‌سازی از قهر و برای خلع سلاح، در هم می‌آمیزد. بر خورده انقلابی امروز ما را متعهد می‌کند که نه تنها در ابعاد سیاست ملی، بلکه در چارچوب سیاست بین‌المللی بیاندیشیم...

به خطاهای سیاسی گذشته چگونه باید برخورد کرد؟

ج. وست: طبیعی است که مارکسیسم - لنینیسم نمی‌تواند بدون مطالعه دقیق تاریخ تکامل یابد. حال حاضر، از گذشته با همه ضعف‌ها و دشواریهایش برمی‌خیزد. ما با گذشته در پیوندیم... به نظر من برای جنبش بین‌المللی کمونیستی، زمان آن فرا رسیده است که به تحلیل مشترکی از تاریخ خود بپردازد. این امر به ویژه با توجه به گرایش در حال پیدایش قلمداد کردن کل فعالیت بین‌الملل کمونیستی بعنوان یک خطای کلی و نفي نقش ارزشمندان در تاریخ پیش از جنگ، اهمیت دارد. مثلا جریان و نتایج کنگره هفتم کمینترن سرشار از درسهایی بوده که تا امروز اعتبار خود را از دست نداده‌اند...

خ. ریوا: برای جنبش بین‌المللی کمونیستی، نوسازی اهمیت بسیاری دارد زیرا دوره کاملا نوینی در تاریخ آن کشورهاست. دوره بحث‌ها و تبادل نظر هلنی، در حالیکه که در گذشته ما گاه کوشیده‌ایم با مرزبندی با یکدیگر، برخی مسائل را "جل" کنیم، واقعیت امروز ما را متعجب می‌کند اندیشه‌ها و مسائلی را که در زندگی کشورهای سوسیالیستی و نیز احزاب فعال در شرایط دیگر اجتماعی پیش می‌آیند، مشترکا بررسی کنیم...

پ. ساندووال رامیرز: به نظر من تحلیل نقادانه راه طی شده، یک جنبه اصلی نوسازی در ا.ج.ش.س. است... در این رابطه، ارزش گذاری مجدد در مورد فعالیت بسیاری از رهبران نامدار انقلاب اکثريت که به ناحق به فراموشی سپرده شده یا نام آنها ممنوعه شد، اهمیت بسیاری دارد.

چه با نظرات مثلا بوخارین موافق باشیم یا نه، بدون تردید باید از اعاده حیثیت از او استقبال کنیم. فکر می‌کنم همین کار را باید در مورد تروتسکی کرد که هرگز "هامل فاشیسم" و "نوکر امپریالیسم" نبود. ما می‌توانیم نظرات او را قبول داشته باشیم یا نپذیریم، اما این واقعیت پارچه می‌ماند که تروتسکی در زمره رهبران حزب بلشویک بود، شورای پتروگراد را هدایت و ارتش سرخ را رهبری می‌کرد. به نظر من می‌رسد که اکنون کوشش می‌شود نقش او در تاریخ مورد ارزیابی درست قرار گیرد، اما به لحاظ سیاسی باید زودتر از تروتسکی اعاده حیثیت شود. شاید این کار ساده نباشد، زیرا تروتسکی مانند بوخارین در دادگاه محکوم نشد. اما او را نیز به لحاظ سیاسی مورد هتک حیثیت قرار دادند و بالاخره به لحاظ جسمی نابود کردند. تکرار می‌کنم، باید در باره نقش تروتسکی در تاریخ به درستی قضاوت کرد.

... در مکزیک، منابع زیادی گرد آمده است که می‌تواند به احیای حقیقت در مورد تروتسکی کمک کند. می‌دانیم که او در کشور ما به قتل رسید. در آن زمان، فرستادگان کمینترن کوشیدند رهبران وقت حزب کمونیست مکزیک را به این رویدادهای هم‌انگیز وارد کنند. اما آنها مخالفت کردند، و همین باعث شد که به تروتسکیسم متهم شوند (مثلا ولنتین کامپا) و

از حزب اخراج گردند...

ی. کراسین: من با رفیق ساندووال در این مورد موافقم که باید نقش تروتسکی را همان گونه که واقعا بود نشان داد. این است تنها برخورد درست و مارکسیستی. از این رو، نقشی که وی در انقلاب اکثريت ایفا کرد، طبیعتا باید از سوی علوم اجتماعی در جای درست خود قرار گیرد. اما به نظر ما نباید این را با اعاده حیثیت سیاسی از تروتسکی برابر دانست. اگر در جوهر نظریات تروتسکی دقیق شویم، می‌بینیم که او می‌خواست در ا.ج.ش.س. سه عبارتی که امروز ما می‌گوییم یک نظام فرماندهی اداری ایجاد کند. به عبارت دیگر، اگر چه در نگاه اول ممکن است عجیب به نظر بیاید، میان تروتسکیسم و استالینیسم که هر دو تنها بر شیوه‌های اجبار، بر شیوه‌های اداری و فرماندهی در رهبری کشور تکیه می‌کردند، تطابق درونی وجود دارد. مثبت ارزیابی کردن این موضع - که لازمه اعاده حیثیت سیاسی است - به نظر من غیرممکن است.

بطور کلی می‌خواهم در این فرصت بگویم که در جنبش انقلابی می‌توان به دو دیدگاه فلسفی همده برخورد کرد. یک دیدگاه از این نقطه حرکت می‌کند که یک اقلیت، یعنی حزب، حامل حقیقت است و باید با فعالیت خود اکثریت، یعنی خلق را به "سعادت" برساند. در همین طرح مسئله، تاکید بر اجبار، بر شیوه‌های اداری، بر تحمیل اراده یک اقلیت به توده‌ها، دیده می‌شود.

دیدگاه دوم، دیدگاه و اقلیتینی، بدین گونه خلاصه می‌شود: یک اقلیت آگاه، یعنی حزب، باید پیشاهنگ را تشکیل دهد، اما همراه با توده‌ها پیش رود، نباید از رشد توده‌ها پیشی گیرد، بلکه باید به آن کمک کند. در این صورت خلق در خلافت تاریخی نه منتقل، که فاعل است. از این زاویه، دیدگاه لنینی در تضاد صریح با تلورجیای کوناگون افراطی و چپ‌روانه و نیز با تروتسکیسم و استالینیسم که خلق را تنها عاملی تاثیر پذیر می‌دانند، قرار دارد...

د. پرتل: ... باید اذعان کنیم که در گذشته، تاریخ برخی احزاب کمونیست تحریف شده است. از این رو، هر قدر هم که این احترام در ناک باشد، این یک واقعیت است که تا به حال هیچ اثر عینی مارکسیستی در باره تاریخ جنبش بین‌المللی کمونیستی وجود نداشته است. گمان می‌کنم زمان آن فرا رسیده است که چنین اثری که بازتاب تاریخ فوق‌العاده فنی جنبش ما با همه موفقیت‌ها و کاستی‌هایش باشد، نگاشته شود. بدین منظور، هماهنگی کار دانشمندان مارکسیست کشورهای سوسیالیستی و سرمایه‌داری ضروری است.

پیشنهاد می‌کنم مسئله کشودن آرشیو کمینترن و گذاشتن آن در دسترس پژوهشگران همه احزاب برادر، با ج.ک.ا.ش. مطرح شود. محض اطلاع می‌خواهم بگویم که از سالنا پیش آرشیو حزب کمونیست اسپانیا نه تنها برای دانشمندان مارکسیست، بلکه همچنین برای دانشمندان سایر جریانات که می‌خواهند در مورد تاریخ حزب ما تحقیق کنند، گشوده است.

ی. کراسین: نیاز به یک بنیاد بین‌المللی تحقیقات مارکسیستی خود را هر چه روشن‌تر

نشان می‌دهد. اما نخست باید همه آرشیوها را بروی پژوهشگران گشود.
خ. ریوا: این امر قبل از همه در مورد ج.ک.ا.ش. صادق است.

برای قلبه بر الگوهای کلیشه‌ای در همکاری

پ. ساندووال رامیرز: یک تصور کلیشه‌ای مربوط به خلعت مناسبات و همکاری درون جنبش بین‌المللی کمونیستی است که بسیاری از کمونیست‌ها به آن مانند یک فرقه متوجه به درون خود و منفرد از محیط پیرامونش می‌نگرند...

خ. ریوا: به نظر من برای همه کمونیست‌ها مهمترین وجه نوسازی این است که نوسازی قلبه بر الگوگرایی و دکلماتیستی را که در جنبش کمونیستی حاکم بود، هدف قرار داده است. این امر ما را موظف می‌کند میراث مارکسیسم - لنینیسم را از زاویه مسائل کنونی مورد بازبینی خلاق قرار دهیم.

ج. وست: ...مسائل و خطراتی را نیز که "ارو کمونیسم" و "کمونیسم ملی" متوجه انترناسیونالیسم می‌کنند، نباید فراموش کرد. رها کردن کلیشه‌ها و قلبه بر عواقب "ارو کمونیسم" و سایر انحرافات از مارکسیسم - لنینیسم، این همه باید به ایجاد چشم‌اندازهای مساعد برای تلاشهای مشترک احزاب کمونیست و کارگری در شرایط جدید باری برساند.

ی. کراسین: من می‌خواهم تنها به یک جنبه مسئله‌ای که درباره آن سخن می‌گوییم، اشاره کنم: به ضرورت قلبه بر به اصطلاح بنیادگرایی دکلماتیستی در مارکسیسم. به نظر من، این است ضرورت اصلی‌ای که امروز از نوسازی و به ویژه از تفکر نوین سیاسی ناشی می‌شود.

مگر نه این است که ما گاه ندانسته منافع طبقاتی را نوعی مانع می‌دانیم که مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها را از سایر نیروهای اجتماعی و سیاسی جدا می‌کند؟ نمی‌خواهم در باره تاریخ بگویم. کافی است به فرمول "طبقه علیه طبقه" که زمانی توسط کمینترن مطرح شد، بیاندیشیم. امروز نیز نشانه‌های این بیماری پیوسته دیدار می‌شوند، حداقل در تفکر اجتماعی در کشور ما و در حزب ما.

این در حالی است که کل محتوای جهان بینی مارکسیستی و قبل از همه لنینیسم (به همت ضیق وقت تنها "چه باید کرد؟" لنین را نام می‌بریم) دقیقا تلاش برای پیمودن جاده اصلی تمدن و پیوند دادن مارکسیسم و همچنین جنبش کمونیستی با فعالیت نیروهای گسترده است... برای جنبش کارگری با سنت‌های انساندوستانه و انترناسیونالیستی‌اش، خروج از جاده اصلی تمدن به معنای انول خواهد بود.

اگر این راه را در پیش گیریم، این خطر ایجاد می‌شود که کمونیست‌ها به دام بنیادگرایی دکلماتیستی بیافتند، پاک‌باخته حسرت دوران گذشته شوند و جهان را آنگونه که واقعا هست، با همه پیچیدگی درونی و متضادش ببینند. آشکار است که مادر جنبش خود نمی‌توانیم از دگرگونی بنیادین در تفکرمان طفره رویم.

بوش وارث ریگان شد

بقیه از صفحه آخر

از پیروزی در انتخابات، اعلام کرد که به جای جرج شولتز، جیمز بیکر وزیر دارایی فعلی را به وزارت خارجه بر خواهد گزید. برکناری شولتز، مویده آن است که هلیبرفم همه تظاهر بایه بیکار چگسی در میان همکاران ریگان، بوش اختلافات معینی با شولتز داشته و ترجیح داده است بیکر را به جای او بگمارد. جیمز بیکر در طول سالها فعالیت خود در راس بانک جهانی، به "تجارب" لازم در زمینه سیاست خارجی دست یافته است.

بوش، وارث ریگان، در آغاز دوره ریاست جمهوری اش در ماه ژانویه ۱۹۸۹، با مشکلات زیادی مواجه خواهد بود. در طول هشت سال ریاست جمهوری ریگان، مخارج سنگین تسلیحاتی، بر کسری بودجه دولت آمریکا به شدت افزوده است. بوش در جریان انتخابات تاکید کرد قصد ندارد هیچ یک از موارد برنامه نظامی و تسلیحاتی ریگان، از جمله پروژه "جنگ ستارگان" را حذف کند. یک مورد دیگر از برنامه حزب جمهوریخواه، عدم افزایش مالیات بوده است. بدین ترتیب، همانگونه که همه ناظران اقتصادی در آن متفق القولند، معلوم نیست که رئیس جمهور جدید آمریکا چگونه خواهد توانست مشکل بزرگ کسری بودجه دولت را حل کند. بوش پس از انتخابات، تنها بدین اکتفا کرد که بگوید در دوره زمامداری او، آهنگ رشد مخارج دولت کمتر از آهنگ رشد اقتصادی خواهد بود، و بدین ترتیب، کسری بودجه به مرور کاهش خواهد یافت. اما هیچ یک از صاحب نظران اقتصادی این "راه حل" را جدی نمی گیرند. اولین تاثیر مشهود انتخاب بوش به ریاست جمهوری در هر صده اقتصاد، کاهش ناگهانی ارزش دلار آمریکا بوده است.

در سیاست خارجی، بوش همواره تاکید کرده است که مشی ریگان را دنبال خواهد کرد. ناظران سیاسی، این پرسش را مطرح کرده اند که جانشین ریگان، مشی نخستین سالهای ریاست جمهوری ریگان را در پیش

خواهد گرفت یا سیاست دو سال اخیر را، که تا حد زیادی نتیجه اهمال فشار افکار عمومی صلحدوست جهان سرمایه داری و ابتکارهای دیپلماتیک اتحاد شوروی بوده است؟ رادیو مسکو در تفسیری که پس از انتخاب بوش پخش کرد، ضمن ابراز امیدواری به ادامه مذاکرات شوروی و آمریکا در زمینه خلع سلاح، یادآور شد که بوش پیروزی خود را تا حدی مدیون تبلیغات علیه دو کاکیس و "سست هنر" معرفی کردن کاندید حزب دمکرات، مثلا در مبارزه با کمونیسم، بوده است. بوش در جریان انتخابات و پس از آن، پیوسته تاکید کرده است که با اتحاد شوروی، با تکیه بر قدرت نظامی مذاکره خواهد کرد. سخنرانی ها و موضع گیری های بوش، لحن و فضای اظهارات "آتشین" ریگان علیه کمونیسم در نخستین سالهای ریاست جمهوری رونالد ریگان است. آیا اینگونه اظهارات، تنها برای معصرف داخلی و جهت جلب حمایت جناح راست گرای افراطی بوده است؟ و یا دولت بوش با افزایش و گسترش پروژه های تسلیحاتی، با ادامه حمایت از شورش های ضد انقلابی در افغانستان، نیکاراگوئه و آنکولا، با ادامه پشتیبانی از صهیونیسم تجاوزگر، در روند آغاز شده خلع سلاح و تنش زدایی، وقعه جدی ایجاد خواهد کرد؟

پاسخ این پرسشها، تنها به میل و نیت گروه جدید زمامداران آمریکا بستگی ندارد. زمان آن که تصمیم های مهم سیاسی، در پشت درهای بسته و بدون کوچکترین مهر و نشانی از دخالت و از اراده خلق با گرفته شود، گذشته است. جنبش جهانی صلح توانست از دو سال پیش تاکنون عقب نشینی های مهمی به دولت ریگان تحمیل کند. ادامه حضور فعال این جنبش در هر صده سیاست جهانی، از تحرک دیپلماسی شوروی گرفته تا اقدام مستقل میلیونها تن از مردم کشورهای مختلف جهان، می تواند بسیاری از سیاستمداران را "واقع بین" کند.

هنوز معلوم نیست بوش از این دسته از سیاستمداران خواهد بود یا نه.

توقف خروج نیروهای شوروی از افغانستان

درون و پیرامون افغانستان بار دیگر در سطح بین المللی مورد بررسی قرار گیرد.

اتحاد شوروی اعلام کرد بعنوان اقدام متقابل در برابر تحویل سلاحهای بیشتر به ضدانقلابیون افغانی، سلاحهای جدیدی با قدرت تخریب زیاد، از جمله موشکهای با برد تا ۳۵۰ کیلومتر در اختیار افغانستان قرار میدهد. همچنین بجای واحدهای از ارتش شوروی که خدمت خود را در افغانستان به پایان می رسانند، واحدهایی که بعضا تجهیزات مدرنتری دارند، مستقر خواهد شد، اما شمار کل سلاحها و نیروها افزایش نمی یابد.

از سوی دیگر آمریکا بدون توجه به هشدارهای شوروی و افغانستان، اعلام کرد سلاحهای جدیدی در اختیار ضدانقلابیون افغانی قرار خواهد داد. چارلز دمن سخنگوی وزارت خارجه گفت ایالات متحده تعداد بیشتری موشکهای زمین به هوای استیگر که بطور خودکار هدف خود را می یابند، به شورشیان افغانی میدهد.

برهان الدین، سخنگوی ائتلاف بدفکانه ضدانقلاب افغانستان که در پیشاور پاکستان مستقر است، گفته گذشته در واشنگتن با ریگان رئیس جمهور آمریکا دیدار کرد. در این دیدار ریگان به ربانی قول کمک های بیشتری داد.

به گفته کاردار سفارت افغانستان در لندن، تنها در کابل تا کنون ۵۰۰ نفر بر اثر حملات موشکی ضدانقلاب کشته شده اند. کاردار افغانستان افزود است اخیرا ضدانقلابیون کنترل استان مرزی کو ناز افغانستان را در دست گرفته، دست به کشتار همه کسانی زده اند که از حکومت مردمی افغانستان پشتیبانی می کنند. ضدانقلابیون، علاوه بر قتل و غارت در سراسر استان به برخی سلاحهای نیز که در چاقوب سیاست آشتی ملی از جانب دولت افغانستان در اختیار قبایل مرزی قرار گرفته بود، دست یافته اند.

در نیویورک نخست وزیر افغانستان طی دیداری با خاویز پرزدکوئینار دبیر کل سازمان ملل متحد خواهان استفاده از همه امکانات سازمان ملل برای رعایت اکید توافق های ژنوا شد.

در مسکو اعلام شد با توجه به وضعیت سیاسی در افغانستان، اتحاد شوروی خروج نیروهای خود را از این کشور متوقف کرده است. این تصمیم بدنبال اصابت چند موشک ضدانقلابیون به مناطق مسکونی کبهه کشته و مجروح شدن شماری از مردم بیگناه انجامید، و نیز سقوط دو هواپیمای نیروی هوایی افغانستان توسط جنگنده های پاکستانی اعلام گردید.

بسمرتیج معاون وزارت خارجه شوروی در توضیح همل توقف خروج نیروهای شوروی از افغانستان، ضمن اشاره به تشدید فعالیت های نظامی اپوزسیون مسلح و افزایش اقدامات خرابکارانه تروریستی به منظور از بین بردن ثبات و ارباب مردم، افزود در چنین شرایطی، خروج هادی نیروهای شوروی امکان پذیر نیست. بسمرتیج گفت واحدهای اپوزسیون مسلح افغانستان اخیرا حملات متمرکزی علیه نیروهای شوروی انجام داده اند. وی خاطر نشان کرد در جریان سرزدهای اشرار که در پاکستان مستقرند، از موقعیت ایجاد شده بدنبال کابش پنجاه درصد از نیروهای شوروی طرف سه ماه پس از قرارداد ژنو و تخلیه مناطق مرزی از سوی ارتش افغانستان برای تسخیل در بازگشت آوارگان سواستفاده کرده اند.

یولی وورنتسوف سفیر شوروی در افغانستان که معاون وزیر خارجه اتحاد شوروی نیز هست، در کابل تاکید کرد کشورش همچنان خواهان حل مسالمت آمیز مسائل بر پایه توافق های ژنواست، اما پیوسته رو شتر میشود که سایر کشورهای امضا کننده قرارداد، یعنی آمریکا و پاکستان، نمیخواهند این توافق را رعایت کنند. وورنتسوف گفت تحویل محموله های بزرگ سلاحهای مدرن به گروه های اپوزسیون افغانستان آغاز شده است. وی افزود: "بنابراین فریبکاری آمریکا و پاکستان آشکار است. از اینرو، افکار عمومی جهان باید به اوضاع ایجاد شده توجه زیادی معطوف کند." سفیر شوروی خاطر نشان کرد زمان آن فرا رسیده است که همه جوانب موقعیت

تعویق مجدداً محاکمه کولو و سارگین

خارجی و پنج نماینده حزب سوسیالیست مردمی ترکیه در مجلس این کشور، توانستند به سالن دادگاه راه یابند. سپس یکی از وکلا اعلام کرد به علت تضییقات پلیس، کار وکلا امکان پذیر نیست. بدنبال این سخنان، وکلا، ناظران خارجی و نمایندگان حزب سوسیالیست مردمی سالن دادگاه را به اعتراض ترک کردند. با خودداری متهمان از سخن گفتن، جلسه دادگاه تعطیل شد.

محاکمه ۷۲۳ تن از اعضای سازمان "راه انقلابی" در آنکارا ادامه دارد. در حاشیه این محاکمه، ۲۳ ناظر آلمانی و یونانی که دست به تظاهرات برای آزادی زندانیان سیاسی ترکیه زده بودند، توسط پلیس دستگیر شدند. اعتراض گسترده افکار عمومی به آزادی این عده انجامید.

در روز جمعه چهارم نوامبر که قرار بود دوازدهمین روز محاکمه حیدرکولو و نیهات سارگین رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه باشد، اعتراض متهمان و وکلای مدافع آنها به تشدید تضییقات پلیسی و اخلاف نیروهای امنیتی ترکیه در کار وکلا، باعث شد که ادامه محاکمه بار دیگر به تعویق بیفتد. دادگاه بار دیگر در روز دوم دسامبر تشکیل جلسه خواهد داد.

بر خلاف وعده‌های که رئیس دادگاه به وکلای مدافع داده بود، پلیس این بار از فاصله بیشتری مانع نزدیک شدن به ساختمان دادگاه می‌شد. اتومبیل‌ها را از یک کیلومتری متوقف می‌کردند و مابران پیاده اجازه نداشتند از ۵۰۰ متری محل محاکمه به آن نزدیک‌تر شوند. تنها پس از اعتراضات شدید، چند تن از وکلا و ناظران

اجلاس شورای ملی فلسطین

مسئله، تحقق همه قطعنامه‌های بین‌المللی از طریق یک کنفرانس بین‌المللی فعال با شرکت ساف است. نقشه جغرافیایی ضمیمه طرح، حاوی اسرائیل در چارچوب مرزهایی است که مجمع عمومی سازمان ملل در اکتبر ۱۹۴۷ برای تقسیم فلسطین پیش بینی کرد. طرح ۱۹۴۷، شامل کنترل بین‌المللی شهر بیت‌المقدس بود. انتشار این نقشه از سوی روزنامه فلسطینی العجر به معنای پذیرش تلویحی حق موجودیت اسرائیل است.

همزمان با آغاز کار اجلاس شورای ملی فلسطین، صیونیست‌ها در مناطق اشغالی برای پیشگیری از تظاهرات مردم بر شدت اقدامات سرکوبگرانه خود افزودند. در هفته گذشته حداقل سه فلسطینی، از جمله یک کودک سه ساله و یک دختر ۱۴ ساله، به ضرب گلوله سربازان اسرائیلی کشته شدند. دهها فلسطینی از آغاز هفته گذشته بازداشت شده‌اند.

از میان دیگر رویدادها

● کمیونست شیلی در سال ۱۹۶۹ برگزار شد.
● عده‌ها تن از مردم سانتیاگو پایتخت شیلی با شرکت در یک راهپیمایی علیه افزایش قیمت نان و شیر دست به اعتراض زدند. در این تظاهرات، خواستهای سیاسی، از قبیل قطع پیگردنیروهای دموکراتیک نیز مطرح شد. پلیس پینوشه با گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش تظاهرات را متفرق کرد. عده‌ای در جریان این یورش مجروح و دههاتن دستگیر شدند.

● در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سری‌لانکا، موجی از ناآرامی این کشور را فرا گرفته است. در روز سه‌شنبه ۸ نوامبر، به دعوت یک گروه مخالف، یک اعتصاب عمومی در این کشور انجام گرفت. رهبری ناآرامی‌های اخیر در دست افراطیون ناسیونالیست است که مخالف هرگونه خودمختاری اقلیت تامیل و خواهان لغو قرارداد سری‌لانکا و هند برای حل مسالمت‌آمیز مسئله تامیل‌اند.

در روز شنبه ۱۲ نوامبر، اجلاس شورای ملی فلسطین (پارلمان در تبعید) در الجزیره آغاز به کار کرد. اعلام موجودیت یک دولت مستقل فلسطینی در کرانه قریبی رود اردن و نوار غزه که هم‌اکنون در اشغال اسرائیل‌اند، در دستور کار این اجلاس قرار دارند. در آستانه تشکیل اجلاس شورای ملی فلسطین، روزنامه فلسطینی العجر یک طرح چهار ماده‌ای را که قرار است به این اجلاس ارائه شود، به چاپ رساند. این طرح شامل اعلام موجودیت یک دولت فلسطینی است که پایتخت آن بیت‌المقدس خواهد بود. طرح، به قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل، مصوب سال ۱۹۴۷ استناد می‌کند و می‌افزاید سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) تنها نماینده قانونی خلق فلسطین است. طرح، از رهبران جهان عرب، اروپا، ایالات متحده و اتحاد شوروی می‌خواهد از هیچ کوششی برای تحقق همه قطعنامه‌های سازمان ملل در ارتباط با مسئله فلسطین فروگذار نکنند. این طرح می‌افزاید تنها راه حل

● در نزدیکی پاریس، دور دیگری از مذاکرات میان هون سن نخست‌وزیر کامبوج، نوردوم سیهانوک رهبر پیشین این کشور و سون سان رهبر یک گروه اپوزیسیون انجام گرفت. در این مذاکرات تصمیم گرفته شد یک گروه کار سه جانبه برای تدارک دیدار بعدی تشکیل شود. دولت کامبوج با پیوستن یک نماینده "خبرهای سرخ" به این گروه کار موافقت کرد.

● هفته‌نامه "لسپر سو" چاپ ایتالیا فاش کرد که سقوط یک هواپیمای مسافربری در ایتالیا در سال ۱۹۸۰ بر اثر اصابت یک موشک شلیک شده از سوی یک هواپیمای جنگی ناتو در جریان یک مانور نظامی بوده است. هواپیمای مسافری نامبرده، ۸۱ سرنشین داشت.

● حزب کمونیست شیلی در یک گردهمایی در سانتیاگو اعلام کرد کنکره حزب در سال ۱۹۸۹ برگزار خواهد شد. آخرین کنکره حزب

بریتانیا: اعتصاب ۲۰۰ هزار نفری

در حدود ۲۰۰ هزار کارگر و کارمند بخش عمومی بریتانیا در روز دوشنبه ۷ نوامبر به مدت ۲۴ ساعت دست به اعتصاب زدند. انگیزه این اعتصاب، اخراج ۱۴ فعال سندیکایی از یک مرکز استراحت سمع سرویس‌های مخفی بریتانیا بود. دولت تاچر چهار سال پیش مقرراتی را اعلام کرد که به موجب آن، کارکنان این مرکز اجازه عضویت در سندیکای کارگری را ندارند. شعار اعتصاب هفته گذشته در بریتانیا، "به تمام آزادی" بود، زیرا برای نخستین بار در تاریخ این کشور، کارکنان یک موسسه دولتی تنها به جرم عضویت در سندیکا اخراج شده‌اند.

به‌اعتراف دولت بریتانیا، در سراسر این کشور ۸۰ درصد دفاتر رفاه اجتماعی به علت اعتصاب تعطیل شدند.

پلیس برزیل سه کارگر را به قتل رساند

در حمله واحدهای پلیس و ارتش برزیل به کارگرانی که در مجتمع فولاد دولتی "ولتاریندا" دست به تحصن زده بودند، سه کارگر به قتل رسیدند. بیش از ۵۰ کارگر در این حادثه مجروح شدند. یورش به کارگران اعتصابی به دستور مستقیم سارنی رئیس‌جمهور برزیل صورت گرفت. پس از یورش نیز در حدود ۳۵۰۰ کارگر در بخشی از کارخانه باقی‌مانده، آن را در تصرف خود نگه داشتند.

تدارک نظام چند حزبی در مجارستان

در بوداپست اعلام شد که به‌زودی لایحه‌ای با عنوان "قانون جمعیت‌ها" در دستور کار پارلمان مجارستان قرار خواهد گرفت که به موجب آن، تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی در کنار حزب متحد سوسیالیست مجارستان از سال ۱۹۹۰ به بعد مجاز خواهد بود.

در ماه مه ۱۹۸۸، کنفرانس کشوری حزب متحد سوسیالیست مجارستان، رئوس نظریه "پلورالیسم سوسیالیستی" را مورد تأیید قرار داد. رهبری مجارستان در استدلال برای عدم تحقق فوری نظام چند حزبی، به موقعیت حساسی که این کشور در آن قرار دارد و به ضرورت عدم ایجاد شکاف در جامعه در چنین شرایطی، اشاره می‌کند. حزب کمونیست‌های مجارستان همچنین وظیفه تدقیق چگونگی حفظ هژمونی حزب و بقای سوسیالیسم تحت شرایط وجود جریانها و احزاب سیاسی رقیب را در دستور کار خود قرار داده است.

در ماه‌های اخیر در مجارستان تعداد زیادی جبهه، جمعیت و جنبش سیاسی تاسیس شده است. از آن جمله‌اند "مجمع دموکراتهای مجارستان"، "جبهه مارس جدید" و "آلترناتیو چپ". در حالی که برخی از این گروهها خواهان انجام اصلاحات در چارچوب سوسیالیسم‌اند، برخی دیگر از "راه سومی" میان سوسیالیسم و سرمایه‌داری طرفداری می‌کنند.

بوش وارث ریگان شد

و تعداد اعضای فراکسیون آن در مجلس نمایندگان از ۲۵۸ به ۲۶۷ افزایش یافت. بدین ترتیب، جرج بوش نیز مانند ریگان با کنگره‌ای مواجه خواهد بود که حزب او در آن اکثریت ندارد.

جرج بوش ۶۴ ساله، تا آغاز دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر در سال ۱۹۷۷، ریاست سازمان جاسوسی آمریکا، سی‌ا‌ر را برعهده داشت. وی در سال ۱۹۸۵ در درون حزب جمهوریخواه رقیب ریگان برای احراز نامزدی حزب برای ریاست جمهوری بود. ریگان پس از پیروزی بر بوش، او را به معاونت خود منصوب کرد.

رونالد ریگان نماینده گروه‌بندیهای «کالیفرنایی» سرمایه‌داری انحصاری و به ویژه مورد حمایت انحصارات تسلیحاتی بود. همکاری هشت ساله او با بوش، اتحاد این گروه از انحصارات با جناح دیگری بود که بوش با آن روابط نزدیک‌تری داشت:

انحصارات نفتی تگزاس، جرج بوش پیش از انتخابات، اعلام کرده بود که در صورت موفقیت، دان کوئل سناتور جمهوریخواه را به عنوان معاون خود منصوب خواهد کرد. دان کوئل در گذشته به دلیل مواضع راست افراطی‌اش، مانند مخالفت با قرارداد آمریکا و شوروی در مورد برچیدن موشک‌های میان برد از اروپا، مشهور شده است. بوش پس بقیه در صفحه ۱۴

چهل و یکمین رئیس‌جمهور آمریکا، جرج بوش خواهد بود. در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده که روز سه‌شنبه هشتم نوامبر برگزار شد، بوش که از ۱۹۸۱ تاکنون معاونت ریگان رئیس‌جمهور فعلی را برعهده داشته‌است، توانست ۵۴ درصد آرا را به خود اختصاص دهد. رقیب اصلی او، مایکل دوکاکیس از حزب دمکرات، ۴۶ درصد آرا به دست آورد.

میزان شرکت مردم آمریکا در انتخابات هفته گذشته، پایین‌ترین رقم از چهل سال پیش تاکنون را نشان می‌دهد. تنها ۵۳ درصد از ۱۸۳ میلیون آمریکایی واجد شرایط در انتخابات شرکت کردند. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد که تنها حدود ۲۸ درصد از افراد واجد شرایط آمریکایی، به جرج بوش رای داده‌اند.

با اینکه حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پیروز شد، اما انتخابات هشتم نوامبر تنها برای تعیین جانشین ریگان برگزار نشد. در این روز، همه ۴۳۵ نماینده مجلس نمایندگان، ۳۳ سناتور از ۱۵۰ ایالت‌ها و هزاران مقام محلی انتخاب شدند. در انتخابات کنگره، حزب دمکرات توانست اکثریت موجود خود در مجلس نمایندگان و سنا را افزایش دهد. شمار سناتورهای این حزب از ۵۴ به ۵۶

در رژیم فقها، زنان چه حقی در خانواده دارند

روزنامه کیهان در تاریخ چهارم آبان ماه ۶۷ مصاحبه‌ای دارد با آخوندی به نام سیدمحمد باقر مهدوی کنی، عنوان این شخص «رئیس دادگاه‌های مدنی خاص» است. به گفته همین آخوند در این مصاحبه وظیفه این دادگاهها، رسیدگی به «امورات حسبی» است. امورات حسبی را هم آخوندکنی از این زمره می‌شمارد: «تعیین نفقه، تمکین زن از شوهر، طلاق، حضانت فرزند...» به این ترتیب وظیفه این آخوند به اجرا در آوردن ضابطه‌ها و قوانین جمهوری اسلامی در عرصه مناسبات خانوادگی است با عرصه

مقدس‌سی که جمهوری اسلامی می‌خواهد و می‌کوشد قوانین نامقدس ترون و سطانی خود را بر آن تحمیل کند. ضوابط جمهوری اسلامی در عرصه مناسبات خانوادگی و حقوق زن چنان ارتجاعی و چنان بی‌محابا با حداقل حقوق زنان و دستاوردهای بشری تخاصم دارد که چهره رسوای جمهوری اسلامی را در این عرصه بی‌نیاز از توصیف می‌کند. از این رو از سوی همگان به مثابه مشخصه بدیهی و انشا شده این رژیم منحوس شناخته شده و افشای مشخص آن بلاموضوع بنظر می‌رسد. اما رژیم فقها در عرصه بقیه در صفحه ۷

جشن سالگشت اکتبر در مسکو

جاری در پیمان ناتو برای مدرنیزه کردن موشک‌های کوتاه‌برد انتقاد کرد و افزود اتحاد شوروی در سیاست دفاعی و امنیتی خود، این امر را مدنظر قرار خواهد داد.

در مراسم دیگری با حضور میهمانان رسمی در کرملین، میخائیل گورباچف رهبر شوروی تاکید کرد طی یک سال گذشته اتحاد شوروی به اهدانی که حزب و لنین به خاطر آنها انقلاب را تدارک دیده و رهبری کردند، نزدیک‌تر شده است. گورباچف اظهار داشت اتحاد شوروی اکنون وارد یک «دوره طولانی گذار» شده است. وی افزود اگر چه هنوز همه چیز به روال مطلوب پیش نمی‌رود، اما میلیونها تن از مردم در نوسازی شرکت دارند. رهبر شوروی گفت: «در چنین روزی، مناسبت ویژه دارد که یادآور شویم نوسازی، ادامه مستقیم انتخاب بقیه در صفحه ۳

امسال راهپیمایی مردم مسکو از برابر مقبره لنین در سالگشت انقلاب اکتبر، با تقویمایی نسبت به سالهای گذشته صورت گرفت. برای تاکید بر اراده صلح‌جویانه اتحاد شوروی، در رژه نظامی از نمایش سلاحهای جدید خودداری شد. برای نخستین بار پس از دهها سال، در راهپیمایی هفتادویکمین سالگرد انقلاب اکتبر تصاویر اعضای دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی حمل نمی‌شد. شعارهای زیاد در دفاع از احیای قدرت شورواها، ارگانهای نمایندگی خلق، جلب نظر می‌کرد. سخنران مراسم میدان سرخ در روز دوشنبه ۷ نوامبر، مارشال یاسف وزیر دفاع شوروی بود. وی گفت گرچه در سیاست بین‌المللی، شرایط جدیدی برای کاهش تنشجات فراهم آمده است، اما گرایشهای مثبت هنوز بازگشت ناپذیر نشده‌اند. یاسف از تلاشهای

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یا رسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط اروپا	۱۱ مارک	۳۳ مارک
بهای اشتراك	شش ماهه	یک ساله
نشریه «کار»	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
دیگر نقاط اروپا	۲۷ مارک	۳۰ مارک
بهای اشتراك	سه ماهه	شش ماهه
نشریه «اکثریت»	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
دیگر نقاط اروپا	۱۰۲ مارک	۵۸ مارک
بهای اشتراك	یک ساله	یک ساله
نشریه «اکثریت»	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.233
MONDAY, 14 NOV, 88

حساب بانکی

AUSTRIA .WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR.GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W.GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید